

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی - تخصصی
میبانت فرهنگی و سرمایه اجتماعی
سال اول - شماره یک - بهار 1400
تاریخ چاپ: بهار 1400

بررسی مؤلفه‌های امنیّت در نهج البلاغه، بر اساس استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد

فرهاد نظری¹

تاریخ دریافت: 1400/02/04

تاریخ پذیرش: 1400/03/12

چکیده

یکی از مسائل اساسی همه جوامع بشری، حفظ امنیّت است. اگر امنیّت در هر جامعه‌ای کاهش یابد؛ تبعات و آسیب‌های گوناگون را به دنبال خواهد داشت. نهج‌البلاغه جزء منابع غنی و مفید در زمینه مؤلفه‌های امنیّتی است. در این پژوهش با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و براساس مزیت استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد در حوزه تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شده است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی انواع امنیّت در نهج‌البلاغه و احصا و استخراج مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به آنهاست. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سخنان امام علی (ع)، مجموعاً 10 مؤلفه و مقوله اصلی و تعداد 122 مفهوم و نشانه امنیّتی در جنبه‌های گوناگون امنیّت فردی، خانوادگی، اجتماعی، معنوی، روحی و روانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قضایی و مرزی، در نهج‌البلاغه تعداد 10 ارزش بنیادین، 12 ارزش اساسی و 39 ارزش کارکردی، به‌عنوان منشور برقراری امنیّت، وجود دارد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌ها، امنیّت، نهج‌البلاغه، استراتژی، نظریه، داده بنیاد

¹ مدرس دانشگاه فرهنگیان همدان، nazari2023@gmail.com

مقدمه

از آنجاکه در بین معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، امام علی(ع) موفق به تشکیل حکومت شده‌اند و مشکلات عدیده امنیتی در زمان حکومت ایشان به وجود آمد، نحوه برخورد ایشان با این مسایل، یکی از مهم‌ترین منابع، برای چگونگی تأمین آن با وجود محدودیت‌های خاص خود می‌باشد. سخنان امام علی(ع)، به‌ویژه در نهج البلاغه، به‌حق فراتر از سخن انسان و فروتر از سخن خدا معرفی می‌شود. تنوع کمی و کیفی مفاهیم و موضوع‌های نهج البلاغه موجب اعجاب و تلذذ معنوی است، معارف بلند توحیدی، ارزش‌های والای الهی، پند و اندرز و موعظه، بیان و تحلیل حوادث سیاسی و اجتماعی، دستور کار حکمرانان و توبیخ آن‌ها از جمله مطالب ارزشمند نهج البلاغه و کلام حکیمانه و نورانی ایشان است که برخی از آن را در موضوع امنیّت، برای مصداق و شروع مبحث بیان می‌شود:

- شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ¹. بدترین وطن‌ها آن است که اقامت‌کنندگان در آن ایمن نباشند.
- لَا نِعْمَةَ أَهْنَاءُ مِنَ الْأَمْنِ². هیچ نعمتی گواراتر از امنیّت نیست.
- رِفَاهِيَّةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ³. آسایش زندگی در امنیّت است.
- شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ⁴. بدترین شهرها شهری است که در آن امنیّت و ارزانی نباشد.

در این پژوهش جنبه‌های مختلف امنیّت از منظر امیرالمؤمنین علی(ع) شامل: امنیّت فردی، خانوادگی، اجتماعی، معنوی، روحی و روانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قضایی و مرزی با رویکرد داده بنیاد، مورد بررسی قرار گرفته است.

البته امنیّت و ابعاد گوناگون آن باید در یک مجموعه هماهنگ و منظم پیگیری می‌شود. پرداختن به هر یک از ابعاد امنیّت بدون همگرایی و هماهنگی، باقی ابعاد علاوه بر عدم ایجاد امنیّت، جامعه را دچار بحران خواهد نمود. زیرا تقسیم امنیّت و

1. شرح غررالحکم، ج 4، ص 171.

2. شرح غررالحکم، ج 6، ص 435.

3. شرح غررالحکم، ج 4، ص 100.

4. شرح غررالحکم، ص 165.

سپردن آن به مدیریت‌های گوناگون و عدم ارتباط منطقی باهم عملی نیست. به دلیل این‌که الگوی مدیریت امنیّت، تجزیه بردار نیست. این ناهمگونی نظیر آن است که گفته شود فرهنگ جامعه را به یک مدل اقتصاد جامعه را به مدل و مدیریت دیگر و اخلاق آن را به مدل ثالثی بسپاریم. راهی غیرازاینکه همه در یک مدل شامل‌تر و یا یک روش شامل‌تر هماهنگ شود، وجود ندارد. بدیهی است مقوله‌ای با این گستردگی، در بیانات علوی(ع)، به شکل مبسوط و در قالب‌های گوناگون مطرح شده که ارائه گزارشی از آن، به نگارش حجیم و اثری مستقل نیازمند است. علاوه بر این، تحلیل عالمانه بیانات امیر مؤمنان(ع) در این باره و بررسی سیره عملی حضرت در دوران حکومت از این زاویه، کاری بس سترگ و عمیق است که خارج از چارچوب این مقاله قرار دارد. در این مقاله صرفاً به برخی از حوزه‌های امنیّت از دیدگاه حضرت اشاره می‌شود و از این اشارات برای دستیابی به تصویری جامع و کاربردی از موضوع مهم امنیّت در نظام اسلامی استفاده می‌گردد.

یکی از مؤلفه‌های جوهری و ریشه‌ای در تعریف حکومت و شاخصه‌های حکومت اسلامی و تشکیل‌دهنده ابعاد آن، مقوله امنیّت، اعم از امنیّت فردی و اجتماعی و داخلی و بین‌المللی است. «در دین اسلام، امنیّت یکی از اصول زندگی فردی و حکومتی است که خود به‌تنهایی زمینه‌ساز بهره‌وری از مواهب حیات و تکامل بشر و از مقدس‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌هاست. البته امنیّت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یک‌جانبه تحقق پذیرد. تنها در سایه‌سار تاریک حکومت و تشکیلات حکومتی است که می‌توان به یک امنیّت دست یافت.» (مقاتلی، 1391: 4)

حکومت بدون امنیّت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیّت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیّت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. از بیان امام علی(ع) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ شبهه خوارج که می‌گفتند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: «لَا بَدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ ... وَ يَفَاتِلُ بِهِ

العدو و تأمن به السبل و يؤخذ به للضعيف¹ به‌ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به‌وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن گردد و حقوق ضعفا از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شر بدکاران آسایش داشته باشند. در این بیان نورانی، امام(ع)، فلسفه حکومت و ضرورت آن را بیان می‌فرماید و از اهداف و اصول آن برقراری امنیت، دفاع و مقابله با دشمنان، حمایت از حقوق مظلومان و ستم‌دیدگان و مقابله با ستمگران و متجاوزان و تأمین رفاه و آسایش و آرامش جامعه و جمع‌آوری بیت‌المال و مصرف صحیح آن را برمی‌شمرد، که با هرج و مرج و تهاجم دشمنان و زورگویی قلدران به مبارزه برخیزد و حقوق محرومان را تأمین نماید.

پژوهش حاضر باهدف « بررسی مؤلفه‌های امنیت در نهج البلاغه، بر اساس نظریه داده بنیاد» صورت پذیرفته است. در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود؛ جنبه‌های گوناگون امنیت از منظر امیرالمؤمنین علی(ع) کدام‌اند؟ مؤلفه‌های امنیت در نهج البلاغه، بر اساس استراتژی نظریه داده بنیاد، چیست؟

پیش از ورود به بخش بررسی امنیت بر اساس نظریه داده بنیاد، ابتدا جنبه‌ها و مصداق‌های گوناگون امنیت در نهج البلاغه به‌صورت توصیفی، تحقیقی بیان شده و با استفاده از این مطالب، اقدام به ارائه یافته‌ها و نتایج پژوهش بر اساس نظریه داده بنیاد، در قالب جدول و نمودار شده است.

تعریف امنیت

امنیت . [آنی ی ا] (از ع ، حامص) بی خوفی و امن . امنیت دادن ؛ راحت و آسوده و بی بیم گردانیدن² (اسم مصدر) [عربی: امنیه] در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی.³ در امان بودن از خطر و نداشتن ترس، آرامش.⁴ امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را

¹ نهج البلاغه، خطبه 40.

² لغت نامه دهخدا، (ذیل امنیت)

³ فرهنگ فارسی معین، (ذیل امنیت)

⁴ فرهنگ روز سخن، (ذیل امنیت)

گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیّت فردی، امنیّت اجتماعی، امنیّت ملی و امنیّت بین‌المللی، به کار برده می‌شود. (آشوری، 1389: 3) امنیّت فردی حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کنند.

روش‌شناسی تحقیق و روش تحلیل داده بنیاد

استراتژی پژوهشی این تحقیق، تئوری داده بنیاد یا روش رویش نظریه است. «نظریه‌پردازی داده بنیاد، روشی پژوهشی برای علوم اجتماعی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، بارنی گلیسر¹ (متولد 1930 م.) و استراوس² (1916-1996 م.) تدوین شده است». (دانایی و امامی، 1386: 72) این استراتژی، گرایش به تحقیق کیفی دارد که با همکاری گلیسر و استراوس رشد و توسعه یافته است. روش‌ها و رویه‌های منظم، پژوهشگر را قادر می‌سازد. تا نظریه مستقل بسازد؛ نظریه‌ای که با معیارهای علمی مطابقت نماید. درحالی‌که رویه‌ها چنان طراحی شده‌اند که دقت تحلیلی و قاطعیت را فراهم می‌سازد، خلاقیت نیز عنصر مهمی است. خلاقیت، محقق را قادر می‌سازد تا سؤال‌های داده‌ها را مطرح کند و با مقایسه‌هایی، به بصیرت‌هایی درباره پدیده و به تنظیم نظری داده‌ها نائل آید. این استراتژی پژوهش بر سه عنصر: مفاهیم، مقوله‌ها (طبقه‌ها) و قضیه‌ها استوار است. همچنین در این پژوهش، سه فرآیند «فرضیه‌ها» از ابتدا تحلیلی مشخص وجود دارد که رویه‌های نمونه‌گیری نوعاً بر اساس آن‌ها انتخاب می‌شوند. این سه فرآیند عبارت‌اند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (الوانی و همکاران، 1386: 4) همچنین این استراتژی می‌تواند با رویکرد استراوس و کوربین و رویکرد گلیسر انجام بگیرد که محقق می‌بایست به مدل پیشنهادی آن‌ها در کدگذاری محوری دست پیدا نماید ولی در رویکرد استراوس و کوربین چنین قیدی وجود ندارد. لذا با توجه به هدف اصلی تحقیق، شناسایی یک سری مؤلفه‌ها و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای و نه رسیدن به مدل خاص و همچنین

¹ Glaser

² Strauss

تیین یک نظریه بود، لذا رویکرد انتخابی در این تحقیق، بر اساس رویکرد استراوس و کوربین تنظیم شده است و دلیل انتخاب استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد، این است که این استراتژی در مقایسه با سایر استراتژی‌های تحقیق کیفی همچون تحلیل مضمون و ... از قوّت و مزیت‌های تحلیلی بالایی مانند کدگذاری داده‌ها، برخوردار هست و فرآیند تحقیق را به‌خوبی در جهت نشان دادن یافته‌های تحقیق برای مخاطب به تصویر کشیده شود.

روش جمع‌آوری اطلاعات

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، به‌صورت کتابخانه‌ای است، بدین منظور با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات مرتبط و نهج‌البلاغه گردآوری گردید.



نمودار 1: مؤلفه‌ها و طبقه‌بندی امنیّت در نهج‌البلاغه (طبقه‌بندی امنیّت از منظر

نهج‌البلاغه و کلام امام علی (ع)

بحث اصلی:

تمام این مؤلفه‌های ده‌گانه، در یک مجموعه کامل، به هم مرتبط و پیوسته بوده و محدوده‌های همدیگر را کامل می‌کنند. ابعاد و جنبه‌های گوناگون امنیّت را با توجه به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حکمت‌آموز آن امام همام به شرح زیر تییین می‌کنیم. البته لازم به توضیح است که امنیّت و ابعاد آن باید در یک مجموع هماهنگ و منظم

پیگیری شود و پرداختن به هر یک از ابعاد امنیّت بدون همگرایی و هماهنگی باقی ابعاد، علاوه بر عدم ایجاد امنیّت، جامعه را دچار بحران خواهد نمود.

1. امنیّت فردی

از نگاه امام علی علیه السلام نه تنها جان اشخاص جامعه باید تأمین شود، بلکه لازم است حیثیت و آبروی افراد نیز از امنیّت کافی برخوردار باشد. امنیّت، موهبتی الهی است که فرد در آن می‌تواند با استفاده از وضعیت امن، زندگی آرام خود را داشته باشد. مهم‌ترین بهره‌ای که فرد در این وضعیت می‌برد، با لحاظ ملازمه بین تأمین حق امنیّت و فردی، توانایی او بر اجرا و استیفای حقوق خودش است. استیفای حقوق در حقیقت، امنیّت یعنی ایجاد آسایش و وضعیتی خاص برای تحقق حقوق افراد جامعه است. راهبرد حکومتی امام علی (ع) عبارت است از ایمنی بخشی به مردم و القای این حس به مردم که برای تأمین این حق، هیچ تهدیدی از سوی حکومت و مأموران او متوجه افراد نمی‌شود. امام این کار را با صدور فرمان‌های قاطع به مأموران و هشدار، توبیخ و مجازات آن‌ها در صورت عدم رعایت حال مردم انجام می‌دهد. در حکمتی سلام را امان از هراس و ترس می‌داند. *وَالسَّلَامُ أَمَانًا مِنَ الْمَخَافِ*¹. سلام کردن وسیله تأمین امنیّت و راهی برای وصول به آن است. سلام کردن و اعلام این موضع به مخاطب است که از طرف من در سلامت و امنیّت هستی و این یکی از مصادیق تأمین امنیّت فردی دانست که در آن نیت فرد از تعرضات احتمالی فرد سلام کننده، مصون می‌گردد. این تعبیر، بیانگر کلی‌ترین تعریف امنیّت و آسان‌ترین راه وصول به آن باشد.

در تعبیر دیگری امام علی (ع)، اسلام را راه تأمین امنیّت فردی برای ایمان آورندگان و تأمین سلامتی برای کسانی می‌داند که به اسلام داخل می‌شوند و در پناه آن مأوا می‌گزینند. *«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ، فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ، وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَاقَبَهُ، وَ سَلَّمَ لِمَنْ دَخَلَهُ»*² تعبیر امام بیان گر آن است که ایمان به اسلام، امنیّت و آرامش می‌آورد. اسلام این آرامش را به

¹ نهج البلاغه، حکمت: 252.

² همان، خطبه: 106.

کسانی ارزانی می‌بخشد که به آن ایمان بیاورند و ذهن و دل خود را در اختیار این آیین حیات‌بخش قرار دهند.

در عبارت دیگری، امام علی (ع) رضایت و خشنودی خداوند را مایه امنیت و رحمت قرار می‌دهد: «و رِضَاةُ أَمَانٌ وَ رَحْمَةٌ. أِبَهُ نَظَرٌ مِی‌رَسَدُ دَرِ اَیْنِ تَعْبِیْرِ، اِمَامٌ رَوِی‌کَرْدِی اَز اَمْنِیَّتِ رَا بَیَانِ مِی‌کَنْدِ کِه بَر اَسَاسِ اَنِّ بَا رِضَایَتِ خِداوَنْدِ، اِنْسَانِ بَه اَمَانِ وَ اَمْنِیَّتِ دَر گِستَرده‌ترین وجه آن نائل می‌شود. در این رویکرد نه تنها انسان از همه تعرضات احتمالی مصون است بلکه از همه چیزهایی که برای او وزندگی‌اش مطلوب و مناسب است، به خرسندی و سعادت رسیده و به این ترتیب، به رحمت و آرامش کامل نائل خواهد شد. طبعاً از نظر امام (ع) به عنوان مفسر و تبیین‌گر اسلام ناب، رضایت خداوند موقوع حاصل می‌شود که فرد به آیین اسلام گرویده، به معارف آن معتقد و به شریعت آن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی عمل کند.

در خطبه‌ای دیگر، امام (ع) با تفصیل بیش‌تری از امنیت سخن گفته و به بیان جزئیاتی از آن می‌پردازد. ایشان زمانی که از وصف کشورداری خویش سخن می‌گوید، چهار نتیجه از دوره زمامداری خود که برای جامعه حاصل شده است را بدین گونه اعلام می‌دارد با شما به نیکویی زندگی کردم و به قدر توان، از هر سو نگهبانی شما دادم. از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات دادم و از حلقه‌های ستم‌رهایی بخشیدم، تا سپاس‌گزاری فراوان من، برابر نیکی شما اندک باشد و از زشتی بسیار شما که به چشم دیدم و با بدن لمس کردم، چشم پوشیدم « وَ لَقَدْ أَحْسَنْتُ جَوَارِكُمْ وَ أَحْطَطْتُ بِجَهْدِی مِنْ وِرَائِكُمْ وَ اغْتَفْتُكُمْ مِنْ رِیْقِ الدَّلِّ وَ حَلَقِ الضَّمِّ شُكْرًا مِّنِی لِلبَّرِّ القَلِیلِ وَ إِطْرَاقًا عَمَّا أُذْرِكُهُ البَصَرَ وَ شَهَادَةَ البَلَدِ مِنْ المُنْكَرِ الكَثِیرِ»² در حکومت امام علی (ع) مردم از تجاوز دیگران، قطعاً در امان هستند، زیرا همه در حراست و نگهبانی امام قرار دارند. بخشی به تمامیت فیزیکی فرد است. هم‌چنین حیثیت و آبروی آنان نیز از تعدی مصون و محفوظ می‌ماند. زیرا دید

¹ همان، خطبه 160.

² همان، خطبه 159.

خطاپوش امام، از زشتی‌های کردار و رفتار آنان اطلاع یافته است ولی هرگز این زشتی‌ها به رخ افراد نمی‌کشد. چون وی، مظهر ستاریت خداوند متعال است. نجات از بندهای بردگی و رهایی از حلقه‌های ستم، بعد دیگری از امنیت تعریف شده در دوره امام (ع) است. بردگی و ستم عناوین عامی هستند که ناظر بر خشونت‌های مادی و معنوی است که بر فرد تحمیل می‌گردد. این خشونت مادی است و جسم و تمامیت جسمانی او گاه مورد تهدید و آزار قرار می‌گیرد و گاهی ستم و بردگی معنوی هستند و روح، تفکر و عقیده او با ابزارهای خاص مورد تعرض قرار می‌گیرد.

امام (ع) تأمین این نوع از امنیت فردی، که فرد از بندهای بردگی و ستم رهایی پیدا کند را از رسالت‌های امامت و حاکمیت علوی می‌شمارد در آنجا که می‌فرماید این از حقوق مردم بر والی است که آن‌ها را آموزش دهد تا بی‌سواد و نادان نباشند و تربیت کند و به آنان راه و رسم زندگی را بیاموزد. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْصِّحَّةُ لَكُمْ،...تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا، وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَاتَعْلَمُوا.¹ حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم و شما را تعلیم دهم تا جاهل ننماید، و مؤدب به آداب نمایم تا بیاموزید.

2. امنیت خانوادگی

خانواده اساس تشکیل جامعه و یکی از ارکان اساسی آن است و در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آن تأکید شده است: «از آنجاکه خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». هر فرد بدون تعلق به خانواده، هویت روشن و مشخصی در جامعه ندارد. سلامت و امنیت خانواده نه تنها برای اعضای آن، بلکه برای امنیت جامعه ضروری و حیاتی است. بدون توجه به سلامت خانواده، نمی‌توان انتظار جامعه‌ای سالم و ایمن داشت.

¹ همان، خطبة 34.

یکی از شئون مهم امنیت اعضای خانواده، وجود امنیت هر کدام از اعضای آن نسبت به یکدیگر است. این امنیت، صرفاً با آسیب نرسیدن از جانب دیگر اعضا به وجود نمی‌آید، بلکه شامل حمایت، پشتیبانی، همکاری و رعایت حقوق متقابل ایشان است. امام علی(ع) با ترسیم حقوق و وظایف متقابل اعضای خانواده، خانواده ایمن را چنین ترسیم می‌فرمایند؛ در یکجا وظیفه زن در قبال همسر را چنین بیان می‌کنند: «نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست ... و جهاد زن، نیکو شوهرداری است»¹. در جای دیگر حق متقابل پدر و فرزند را چنین برمی‌شمارند: «همانا فرزند را بر پدر، و پدر را بر فرزند حقی است: حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا از پدر اطاعت کند. و حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد؛ خوب تربیتش کند؛ و او را قرآن بیاموزد»². همچنین رابطه پدر و فرزند را این گونه نزدیک و عاطفی نشان می‌دهند: «و تو را دیدم که پاره تنم، بلکه همه جان منی، آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برایت نوشتم، تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد، حال من زنده باشم یا نباشم»³. بدیهی است؛ چنین نگرشی نسبت به رابطه بین اعضای خانواده، می‌تواند متضمن امنیت و سلامت کامل آن باشد و طبعاً برای امنیت جامعه مفید باشد.

3. امنیت اجتماعی

اگر در موضوع امنیت فردی، حالت فراغت و آسایش فردی است؛ در امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی یا فرد یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد «در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون با تعریف و حد گذاری آزادی‌ها و

¹ همان، حکمت 136.

² همان، حکمت 3.

³ همان، نامه 31.

حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا فراتر گذاشته‌اند، امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کند (تک آزادی‌های فردی) و دستگاه پلیس و دادگستری مأمور اجرای قانون و حمایت از فرد و جامعه در برابر قانون‌شکنان است». (آشوری، 1389: 39) اهمیت وجود امنیت اجتماعی در آن است که در صورت نبود این جنبه مهم امنیتی جامعه دچار پسرفت و هرج و مرج خواهد شد. «جامعه ای که می خواهد از توسعه و پیشرفت لازم و از ظرفیت‌ها و فرصت‌های لازم اجتماعی و فرهنگی بهره ببرد، همواره نیازمند این است که از امنیت اجتماعی بهره مند گردد.» (فرمانیان، 1393: 9) امنیت به مثابه زیربنایی برای تحقق عدالت اجتماعی در میان شهروندان و کاهش شکاف طبقاتی، تکبر و تندخویی برخی حکام و عوامل حکومتی از موضع قدرت، ورود پیدا کرده و موجب ترس مردم شده و نه تنها در مطالبه حق از دست‌رفته خود سکوت می‌کنند؛ بلکه همواره احساس عدم امنیت را در خود دارند. رهنمودهای امام علی(ع) به فرمانداران منصوب، زمینه تحقق عملی این رویکرد را نمایان می‌سازد. احساس امنیت داشتن در نظام علوی، واقعیتی به‌دوراز شعار و حفظ ظاهر است، امام علی(ع) می‌فرماید: «من در موارد متعدّد از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمودند: هیچ امّتی به پاکی و قداست نخواهد رسید، مگر حقّ ضعیف آن امّت از قدرتمندش بدون گرفتگی زبان گرفته شود.» (جعفری، 1379: 969)

از نظر امیرالمؤمنین علی(ع) اولین عاملی که موجب ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود؛ موضوع سبک و سطح زندگی مسئولان است و عدم تناسب آن با سبک و سطح آن بازندگی مردم می‌داند و در خطبه 209 می‌فرماید: «خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند؛ تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشانند.» (دشتی، 1397: 292) آن است که الگوی مالیات با الگوی غیر مؤمنانه و غیر رحمانی محاسبه شود، به‌طور مثال در یک سال، تولیدکننده به هر دلیلی ضرر می‌کند و یا کشاورز به دلیل خشک‌سالی خسارت می‌بیند و محصول ندارد که حضرت امیر(ع) در نامه 53 به مالک اشتر می‌فرماید: «در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف بده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد، زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و

آراستن ولایت‌های تو نقش دارد و رعیت تو را می‌ستانند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد» (همان، 383). همان‌گونه که امام توصیه می‌فرماید که حاکم در این‌گونه مواقع، پیش‌دستی کنی و آن‌قدر مالیات را پایین آورد که زندگی‌اش با پارسال تفاوتی نکند و اگر چنین کرد؛ خسارت دولت نیست، بلکه سرمایه‌گذاری است و دو فایده دارد، اول اینکه به مردم اطمینان می‌دهی زیرا مردم احسان دولت را دیدند و اغتشاش نمی‌کنند و دوم اینکه این مردم به تو اعتماد می‌کنند و اگر مشکلی رخ دهد، حمایت خواهند کرد. « از نگاه حضرت علی(ع) سیاست و ساختار حکومت، نه صرفاً امور اقتصادی و اجتماعی و تأمین امنیت و آبادانی و رفاه مردم، بلکه مهم‌تر از این، به دلیل نقش اساسی سیاست در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرشت و سرنوشت معنوی مردم، جایگاه برجسته و مهمی پیدا می‌کند و از دیدگاه حضرت علی(ع) نفس حکومت و نظام سیاست، به معنای سیاسی برای جامعه، یک ضرورت قطعی است.» (رشاد، 16:1382 و 17)

در بخشی از نامه 53 نهج‌البلاغه، از علل دیگر اغتشاش، شورش و ناامنی، ورود اطرافیان و خویشاوندان مسئولین به حوزه حکومت و کار اقتصادی است؛ آنجا که می‌فرماید: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را واگذار مکن و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند.» (همان، 387) بنابراین اصلاح باید از ریشه که در حکومت است، انجام شود یعنی رانت باید از بین برود، شفاف‌سازی صورت گیرد و سازوکار قانونی، طوری بنانهاده شود تا بستگان مسئولین در دوران مسئولیت، حق دخالت و حضور در حکومت را نداشته باشند. گاه گفته می‌شود برخی از این نزدیکان لیاقت دارند و از حق خود محروم می‌شوند، عیبی ندارد! صد نفر ضرر کنند؛ اما تمام آحاد جامعه شبهه و اشکال برایشان ایجاد نمی‌شود.

اگر عدالت را به مفهوم اینکه هر حقی به صاحب حق برسد و هر مالی از غیر صاحبش گرفته شود در نظر بگیریم، ابتدا تأملی می‌کنیم به خطبه امام علی (ع) که در روز جمعه ماه ذی‌الحجه سال 35 در میان اشراف، رجال حکومتی و عوام مردم فرمودند: « به خدا سوگند، اگر آن املاک را بیابم به مسلمانان بازمی‌گردانم گر چه مهریه زنان یا بهای کنیزان شده باشد؛ زیرا میدان عدالت وسیع استوکسی که عدالت با همه گستردگی‌اش بر او تنگ آید ظلم و ستم تنگنای بیشتری بر او ایجاد خواهد بود»¹.

از عوامل دیگر ایجاد امنیت در جامعه از دیدگاه امام علی (ع) موارد دیگری بیان شده است که به صورت مصداقی بیان می‌شود:

- « هماهنگی با اخلاق، آداب و رسوم مردم در موارد مشروع مایه امنیت است»².
- « آنگاه که زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر پایدار می‌گردد. شود و مردم به تداوم حکومت امیدوار و دشمن در پس روزگار اصلاح آرزوهایش مأیوس می‌گردد»³.

4. امنیت معنوی

هدف از امنیت معنوی که برای افراد یک جامعه وجود دارد؛ این است که قلب انسان به واسطه ایمان و باور همراه عمل به یک سکون و آرامش درونی دست یابد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌گیرد، آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد»⁴. عمده‌ترین هدف انبیا، ائمه و اولیای الهی، توجه دادن مردم به همین مسئله است. حضرت علی (ع) در

1. همان، خطبه 15.

2. همان، حکمت 401.

3. همان، خطبه 216.

4. قرآن کریم، رعد / 28.

نکوهش کوفیان و هشدار به آنها می‌فرماید: «الحمد لله الذي شرع الاسلام فسَهَّل...فجعلهُ امانًا لمن عقله...» «سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که ستون‌های اسلام را در برابر ستیزه جویان استوار کرد و آن را پناهگاه امنی برای پناه برندگان قرارداد».¹ امام (ع) اسلام را به‌عنوان مقوله‌ای که خود امنیت آور ست، معرفی می‌نماید و در باقی کلمات خود برای رسیدن به این امنیت معنوی، مصادق دیگری را هم عنوان می‌کنند.

امام (ع) با تأسی از قرآن کریم، آنجا که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»² ولی خدا تا تو (پیغمبر رحمت) در میان آنها هستی آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند باز خدا آنها را عذاب نکند». یکی دیگر از عامل‌های ایجاد امنیت معنوی در بین مردم، وجود نبی اکرم (ص) و در نبود ایشان، استغفار می‌داند و می‌فرماید:

«كان في الارض امانان من عذاب الله و قد رفع احدهما اما الامان الذي رفع فهو رسول الله و اما الامان الباقي فالاستغفار»³

دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید. اما امانی که برداشته شد، رسول خدا بود و امان باقی‌مانده، استغفار کردن است. آنچه در امنیت معنوی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بر آن تأکید می‌ورزند، ارتباط و مناجات باخدای متعال است. به‌عبارت‌دیگر، منظور حضرت از ارتباط، این است که آدمی به هر زبانی و به هر طریق ممکن خدا را بخواند تا رفته‌رفته زبان خداوند را در پاسخ دادن، تجربه و کشف و احساس نماید. غیر نطق غیر ایما و سَجَل / صد هزاران ترجمان خیزد زدا⁴ رابطه فقط در میان آدمیان برقرار نمی‌شود، بلکه بین انسان و خداوند هم برقرار است و همه لطف معنای دعا کردن در همین جاست. درواقع مهم‌ترین نکته‌ای که در دعا کردن هست و ما آن را از مدرسه انبیا آموخته‌ایم؛ توسعه رابطه آدمی با خداوند

¹ نهج البلاغه، خطبة 106.

² قرآن کریم، انفال / 33.

³ همان. حکمت 88.

⁴ مثنوی، دفتر اول، بیت 1208.

است و از چارچوب تنگ ارتباط علی بیرون رفتن است. خداوند دوست دارد که ما او را نه تنها خالق خودمان بدانیم، بلکه او را معطی و مجیب هم بدانیم و با او مخاطبه و مکالمه هم بکنیم. براین اساس، به محضر خدای متعال در وجود یک امنیت معنوی و روحی عرض حال می‌نماید که: «اللهم انک انس الانسین لاولیائک و احضرهم بالكفایه للمتوکلین علیک...»¹ خدایا تو با دوستانت انس گیرنده‌تری و برطرف‌کننده نیازهای توکل‌کنندگانی بر اسرار پنهانشان آگاه و بر آنچه در دل دارند آشنایی و از دیدگاه آن‌ها باخبر و رازشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است. اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می‌کند. اگر مصیبت‌ها بر آن‌ها فرود آید، به تو پناه می‌برند. این کلام حضرت بیان‌گر این حقیقت است که معشوق ازل و ابد در میان ارتباط و رابطه، در دل آدمی مأوا گرفته و کلام مقدسش از این حقیقت حکایت دارد «نحن اقرب الیه من حبل الوریث»² ما به انسان از رگ گردنش نزدیک‌تریم.

پس بین محب و محبوب سرمد هیچ حجابی جز حجاب‌های خاکی و نفسانی نیست. «میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست / تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» (حافظ شیرازی، 1380: 239) و اگر انسان حجاب خود و خدای خود را از بین ببرد به آرامش می‌رسد. «انسان دارای معنویت با تکیه بر قدرت پروردگار و حکمت او، به آسانی دشواری‌ها، عوامل اندوه، نگرانی و اضطراب را کنترل می‌کند و در نتیجه از روان و جسمی سالم‌تر برخوردار است»³. حسن ختام امنیت معنوی را با کلام دیگری از حضرت خواهد بود؛ آنجا که برای ابوذر در وقت تبعید فرمود: «یا اباذر، انک غضبت لله، فارح من غضبت له، ان القوم...»⁴ ای اباذر! همانا تو برای خدا به خشم آمدی. پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی. اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده‌ای ببندند و او از خدا بترسد، خداوند راه

¹ نهج البلاغه، خطبه 227.

² قرآن کریم، ق / 16.

³ 9/ اسفند <https://www.ilam.ac.ir/news/show1391>

⁴ نهج البلاغه، خطبه 130.

نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را تنها در حق جستجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد.

5. امنیت روحی و روانی

اکثر نارسایی‌های روحی و روانی که بشر به آن مبتلا است در اثر اضطراب‌ها و نگرانی‌هایی است که او برای کسب نتیجه از اقدامات خود دارد. در رهنمودهای اسلامی آموزه‌های فراوانی برای اصلاح شیوه زندگی و برخورداری از سلامت وجود دارد. آرامش، کلید طلایی سلامت جسم است. راهکارهای رسیدن به امنیت روحی و روانی را در کلام امام علی(ع) به شرح زیر بررسی می‌شود:

از منظر حضرت امیر(ع) یکی از راه‌های کسب امنیت روحی و روانی، توکل است؛ انسانی که بر خدا توکل کرده است می‌داند که نتیجه بااراده خداوند ایجاد می‌گردد و بنابراین از این جهت، روح و روان او دارای آرامش است. در این مورد، حضرت امیر می‌فرماید: من اراده اصلاح به مقداری که در توان دارم نمودم و توفیق من تنها از ناحیه خداست و به او اعتماد می‌کنم و به سوی او روی انابت می‌آورم.¹ چنانکه امام خمینی نیز در جمله معروف خود می‌فرماید: ما همه مأمور به وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. (خمینی، 1378، ج 21: 284) توکل به معنی واگذار کردن امور به خداوند در کنار کار و تلاش، وسیله‌ای جهت کسب آرامش روحی و سلامت روانی است. توجه به این مطلب لازم است که اگر آموزه‌های دینی به‌درستی شناخته و اجرا نشوند نه تنها تأثیر مثبت نداشته بلکه تأثیر منفی خواهد داشت.

راهکار بعدی امام علی(ع)، برای ایجاد امنیت روحی و روانی، داشتن هدف واقعی در زندگی است؛ کسانی که نمی‌دانند برای چه زندگی می‌کنند و به دنبال هدف خاصی نبوده و زندگی پوچی و بی‌مفهومی دارند؛ دچار تزلزل روحی می‌شوند. امام علی(ع) بر معنادار بودن زندگی تأکید کرده و می‌فرماید: «چون مردمی باشید که بر آن‌ها بانگ زدند و بیدار شدند، و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت

¹ همان، نامه 28.

مبادله کردند. خدای سبحان شمارا بیهوده نیافرید.¹ خداوند در قرآن کریم، انسان را خلیفه و جانشین خود معرفی می‌نماید، یعنی انسان کامل را انسانی می‌داند که بتواند تا آنجا پیش برود که بین او و خدایش، کسی واسطه نباشد. بنابراین انسانی دارای روان سالم است که مؤمن باشد و مؤمن کسی است که اگر روانش گهگاه دچار اختلال شود با یاد خدا و درک حضور او در زندگی‌اش و انجام فرامین الهی به ترمیم روان خویش اقدام نماید.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: « و ادفعوا امواج البلاء بالدعاء »² امواج بلا و مشکلات و سختی‌ها را با دعا از خود دور می‌کنید. دعا کردن و راز و نیاز با خدا علاوه بر این که غم و اندوه را زایل می‌کند، باعث اطمینان قلب و قدرت روحی می‌شود. کسی که خدا را بهتر بشناسد و تعهد او نسبت به دستورات خدا بیشتر باشد از سلامت روحی و روانی بیشتری برخوردار است. پس هر وقت انسان خدا را فراموش کرد؛ جهت خود را در نظام هستی گم کرده و وقتی بندگی و عبادت خدا را فراموش کرد، حتماً به بندگی و عبادت غیر خدا افتاده و از اینجاست که اضطراب و تشویش‌ها به سراغش می‌آید. در قرآن کریم هم به این موضوع تأکید شده است که «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»³ « و هر کس از یاد من (خدا) روی‌گردان شود؛ زندگی تنگ (سختی) خواهد داشت ». و یکی از جنبه‌های این زندگی سخت، بیماری‌های روانی ناشی از گناه و دوری از خداست.

یکی دیگر از راه‌های ایجاد امنیت روحی و روانی از منظر حضرت امیر (ع)، صلهٔ ارحام و اظهار محبت به مؤمنان است. اظهار محبت مسلمانان به یکدیگر و گردهمایی و اتحاد صفوف از یکسو، موجب رشد عاطفهٔ نوع‌دوستی در نفس و ترغیب انسان‌ها به ایثار و رعایت منافع مردم و به‌طور کلی، جامعه می‌شود و از سوی دیگر، موجبات تضعیف حالت‌های انفعالی نفرت و کینه‌توزی و انگیزه‌های ظلم و تجاوز و حبّ ذات و خودخواهی را فراهم می‌آورد؛ علت اصلی برخی از آسیب‌های

¹. همان، خطبه 63.

². همان، حکمت 138.

³. قرآن کریم، طه / 124

روانی، سوءظن و بدگمانی، حسد و کینه‌توزی و یأس و ناامیدی‌هاست و همه این علل با برقراری روابط متقابل و محبت‌آمیز از بین رفته و روح و جان آدمی از ملال و اندوه و آسیب روانی نجات می‌یابد. امام علی(ع) می‌فرماید: «با همسایگان خود خوش‌رفتاری کنید؛ چراکه آنان مورد توصیه و سفارش پیامبر شما هستند. پیامبر(صلی‌الله علیه وآله) همواره نسبت به همسایگان سفارش می‌فرمود، تا آنجا که ما گمان بردیم به‌زودی سهمیه‌ای از ارث برای آنان مقرر خواهد شد».¹

صلهٔ ارحام نیز، امنیتی روانی و مادی فرد را تأمین می‌کند و احساس نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن را تأمین می‌نماید. امام پرهیزگاران فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] عَتْرَتِهِ وَ دَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ، وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلْمَهُمْ لِشَعْنِهِ وَ أَعْظَفُهُمْ عَلَيْهِ.. عشیرته».² ای مردم! انسان هر قدر هم ثروتمند باشد؛ از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پرعاطفه‌ترین مردم می‌باشند. (دشتی، 1397: 65) و نیز در جای دیگر می‌فرمایند: «ارتباط با خویشاوندان مرگ را به تاخیر می‌اندازد و عمر را طولانی می‌کند».³

یکی دیگر از راه‌های کسب آرامش و رسیدن به سلامت جسمی و روحی دل‌نسیپردن به این دنیای فانی است. امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «ای مردم زندگی دنیا گیاه خشک شده و درهم کوبیده است که وبا تولید می‌کند. بنابراین از چراگاه آن دوری جوئید، زیرا دل‌کندن از آن راحت‌تر است از اینکه در آن اقامت کنید و در آن آرامش یابید. روزی اندک آن پاکیزه‌تر از ثروت زیاد و جمع شده آن است. کسی که ثروت دنیا را جمع می‌کند گرفتار فقر و نداری می‌شود و کسی که از دنیا احساس بی‌نیازی می‌کند به آسایش می‌رسد؛ و هر که مقهور زینت و زیبایی دنیا شود از دیدن واقعیت‌ها کور و نابینا می‌گردد؛ و آن که حرص شدید به دنیا را شعار خویش قرار

¹. نهج البلاغه، نامهٔ 47.

². همان، خطبهٔ 23.

³. همان، خطبهٔ 110.

دهد، دنیا دلش را از غم و غصّه پُر کند؛ و آن غم و غصّه‌ها همواره در مرکز اصلی قلبش در انقلاب و اضطراب است، گرفتار فکری که او را سرگرم می‌کند و فکری که او را اندوهناک می‌سازد و این ادامه دارد تا آنجایی که راه نفس کشیدن او گرفته شود و در خانه قبر جای گیرد. این در حالی است که رگ‌هایش بریده شده و فانی شدنش برای پروردگار آسان و وارد کردن او در قبر برای برادران و دوستانش نیز آسان است. آری مرد مؤمن به دنیا با دیده عبرت نگاه می‌کند.¹

6. امنیت اقتصادی

منظور از ایجاد امنیت اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است؛ زیرا بی‌شک عدالت اجتماعی، آرمان مقدّسی است که تنها در جریان جامعه دینی محقق شدنی است. رهبری دینی به هر میزان که بتواند توسعه جامعه را بر جریان توسعه ولایت دینی و گسترش زمینه عبودیت حضرت حق منطبق سازد، تحقق عدالت در جامعه را شاهد خواهد بود و به هر میزان که در نیل بدین مهم، توفیق حاصل نشود، باید علت آن را در موارد اصلاح نشده غیر اسلامی جستجو نمود. امام علی (ع) پس از به دست گرفتن زمام ظاهری حکومت، در اولین نطق خود، وعده اصلاحات و برقراری امنیت اقتصادی را داده و درباره زمین‌هایی که در زمان خلافت خود به مسلمانان باز گردانید، و آن‌ها زمین‌هایی بود که عثمان (در زمان خلافتش به خویشان و کسانی که سزاوار احسان نبودند) بخشیده بود؛ فرمود: «وَاللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْاِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ فَاِنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَیْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ اَضِیْقُ»². سوگند بخدا اگر بخشیده عثمان را بیابم بمالک آن باز گردانم اگر چه از آن زنها شوهر داده و کنیزان خریده شده باشد، زیرا در عدل و درستی (برای مردم در امر دین و دنیا) وسعت و گشایشی است و بر کسیکه عدل و درستی

¹ نهج البلاغه، حکمت 367.

² نهج البلاغه، خطبه 15.

تنگ گردد (از رفتار بر طبق آن عاجز باشد، بطریق اولی) جور و ستم تنگ‌تر شود (عاجزتر و ناتوانتر باشد).

راه رسیدن به امنیت اقتصادی، برقرار کردن عدالت اجتماعی و برای عینی شدن آن دو عنصر اساسی مورد نیاز بود: 1- توازن اقتصادی 2- بهره‌مندی عمومی مردم. البته توازن با اختلاف سطح زندگی سازگار است ولی این اختلاف از دو طریق محدود می‌شود. الف: نباید اختلاف افراد در سطح زندگی، ناشی از ظلم و تعدی و تبعیض در اختیارات قانونی - مردمی - حکومتی باشد، بلکه باید از اختلاف در استعدادها و تلاش‌ها ناشی شود. ب: کسانی که به خاطر استعدادها و زمینه‌های خدادادی مانند هوش و قوه فکر و سلامت بدن، جلو می‌افتند، باید کسانی را که از آن استعدادها و نعمت‌های خدادادی کم بهره‌مند هستند، تأمین نمایند.¹

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَانِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُنِعَ بِهِ عَيْنِي، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلْتُهُمْ عَنْ ذَلِكَ».² خدای سبحان، حق مستمندان را در مال توانگران قرار داده است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند مگر به سبب آن چه که توانگر از آن بهره‌مند شده است و خدای تعالی توانگران را بدین سبب مؤاخذه خواهد کرد. براین اساس عاملی که فقدان و نابودی امنیت اقتصادی را بدنبال خواهد داشت، عبارت است از انحصارطلبی و توزیع غیر عادلانه اموال است که آن هم ریشه در حس زیاده‌طلبی و افزون خواهی ثروتمندان دارد که آنان و جامعه را به بیدادگری، حق‌کشی، ظلم، و استثمار سوق می‌دهد که حضرت از جمله اموری که هلاکت را به دنبال دارد برمی‌شمرد: «من يستأثر من الاموال يهلك» (ابن شعبه، 1382: 155) هرکس در اموال، انحصار طلب باشد؛ هلاک می‌گردد. ویژه‌سازی اموال و منابع طبیعی، از عوامل مهم تقسیم نابرابر و غیر عادلانه ثروت و پیدایش جامعه تبعیض‌آمیز طبقاتی (بحران امنیت اقتصادی) است. این تجربه همیشه تاریخ است که اجتماعاتی که دچار عدم تعادل و توازن در بهره‌مندی اقتصادی شدند، و به دو طبقه اکثریت محروم و اقلیت سرمایه‌دار، تقسیم گردید،

¹. <https://www.entekhab.ir/fa/news/34581>

سلامت و پایداری خویش را از دست بدادند و سرانجام به تلاش و سقوط کشیده شدند.

از مؤلفه های دیگر امنیت اقتصادی در کلام حضرت امیر(ع) تقسیم عادلانه و مساوی اموال بین مسلمانان است فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ النَّبِيِّ (ص) وَالْأَمْوَالُ أَرْبَعَةٌ أَمْوَالُ الْمُسْلِمِينَ فَقَسَمَهَا بَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَائِضِ وَالْفَيْءِ فَقَسَمَهُ عَلَيَّ مُسْتَحِقِّهِ وَالْخُمْسُ فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ»¹ همانا قرآن بر پیامبر(ص) هنگامی نازل گردید که اموال چهار قسم بود، اموال مسلمانان، که آن را بر اساس سهم هر یک از وارثان، تقسیم کرد، و غنیمت جنگی که آن را به نیازمندان رساند، و خمس که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین برای ایجاد امنیت اقتصادی، در جای دیگر فرمود: «وَإِذَا وَجِدتَ مِنْ أَهْلِ الْفِائَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُؤَافِيكَ بِهِ عَدَاً حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَأَعْتِنْمَهُ وَحَمَلُهُ إِلَيْهِ وَ أَكْثَرُ مِنْ تَزْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدُهُ؛ وَ اعْتِنِمُ مِنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ»² «هرگاه مستمند بینوایی را یافتی که توشه ات را تا روز قیامت ببرد و در آن روز که روز نیازمندی توست همه آن را به تو باز پس دهد، چنین کسی را غنیمت بشمار و بار خود بر او نه و فراوانش مدد رسان، اکنون که بر او دست یافته ای، بسا، روزی او را بطلبی و نیایی. و نیز غنیمت بشمر کسی را که در زمان توانگریت از تو وام می طلبد تا در روز سختی به تو ادا کند.» همانگونه که در بیان مولی مشهود و آشکار است؛ موضوع غنیمت شمردن کمک به مستمند و بینوا یکی دیگر از مؤلفه های مهم ایجاد امنیت اقتصادی در جامعه است.

7. امنیت فرهنگی

فرهنگ که فرایندی از آداب و رسوم، خویها و خصلتها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعهها و گروههای انسانی است ضمن آن که خود زاینده زندگی اجتماعی انسانهاست، تأثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی زندگی و ادامه

¹ همان، حکمت 270.

² همان، نامه 31.

حیات اجتماعی و ملی ملت‌ها نیز دارد. فرهنگ هر ملتی ریشه در اعتقادات، طرز تلقی‌ها و نوع نگرش آن‌ها به جهان و مسائل موجود در آن دارد. بنابراین به میزانی که پایه‌های اعتقادی و باورهای اجتماعی ملتی مبتنی بر حقایق و ارزش‌های انسانی و الهی باشد، ارزش‌های فرهنگی او نیز شایسته تمجید و درخور ستایش و قابل پیروی خواهد بود. اما پرواضح است که در طول تاریخ حیات بشری، همواره آداب و سنن و خوی و خلق انسان‌ها در جهت حق و بر اساس برداشتهای حق جویانه و واقع‌گرایانه از قضایا و مسائل مختلف نبوده و در بسیاری موارد و به دلایل عدیده، انحراف و کجروی و دوری از صراط مستقیم فلاح و رستگاری و غلتیدن در دامن موهومات و باورهای خرافی، باطل‌گرایانه، غیر الهی و ضدبشری‌گریبانگیر اقوام و ملل مختلف شده است. در عصری که بسیاری از واژه‌ها معنای حقیقی خود را از دست داده‌اند؛ اشاعه، ابتذال و فساد، نام‌ترویج فرهنگ و خدمت به جامعه بشری به خود می‌گیرد و دفاع از هویت ملی و ارزش‌های والای انسانی و فرهنگ واپس‌گرایی، سکون و عقب‌ماندگی تلقی می‌شود و باندهای آشکار فکری و فرهنگی از هر وسیله‌ای برای هجوم و استحاله فرهنگی و مسخ ارزشهای معنوی بهره می‌جویند. در این بین هجوم بر بنیان‌های فکری، خطرناکترین و کارسازترین حربه‌ای است که موجودیت ملت‌ها و دولت‌ها را تهدید می‌کند.

از مقوله‌ها و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در نهج البلاغه موضوع فتنه‌انگیزی در

جامعه است و حضرت امیر در این با می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ عِنْدَ طُلُوعِ جَبِينِهَا وَ

ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابِ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا»¹. فتنه آغازش چون دوران جوانی

پر قدرت و زیبا و آثارش چون آثار باقیمانده بر سنگ‌های سخت زشت و دیر پاست.

امام علی (ع) باز در زمینه پنهان بودن حرکات ضد فرهنگی دشمن و ایجاد

ناامنی فرهنگی، با شباهت داشتن فتنه‌ها با حقیقت، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «

إِنَّ الْفِتْنََةَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذَا أُدْبِرَتْ نَبَّهَتْ، يُنْكِرْنَ مُقْبَلَاتٍ وَ يُعْرِفْنَ مُدْبِرَاتٍ،

يَحْمُنَ حَوْمَ الرِّيَاحِ»². فتنه‌ها آنگاه که روی آورند، با حق شباهت دارند و چون

¹. نهج بلاغه، خطبه 151.

². همان، خطبه 93.

پشت کنند، حقیقت چنان که هست؛ نشان داده می شوند. فتنه ها چون می آیند؛ شناخته نمی شوند و چون می گذرند؛ شناخته می شوند. فتنه ها چون گردبادها می چرخند، از همه جا عبور می کنند».

بر این اساس، امام علی(ع) وقتی که زمام امور جامعه را به دست گرفت، با ایجاد یک انقلاب فرهنگی در جهت زدودن رسوبات و لایه های پیدا و پنهان اقطار منحرف، دشمنان را از صحنه بیرون نمود.

اگر در جامعه ای رفاه به فرهنگی، ابزارها و روشهای توسعه فرهنگی، ضرورت شناخت عوامل و نکس فرهنگ و موضوعاتی مشابه و در یک کلمه، امنیت فرهنگی جامعه تسامح را روا دانسته و نسبت به ارزشهای مورد پذیرش خود تداهن و سستی را مجاز شمرد چه آنان که برای جامعه تنها اعتبار ذهنی قائلند و آنرا به موجودی زنده و پویا تعریف نمی کنند و چه آنها که انسان محورند و خواست و اراده بشری را ملاک صحت اعمال دانسته و به مشیت الهی بی توجهند، همگی براین امر متفق القولند که باید با تمام قوا از فرهنگ و ارزشهای خود دفاع کرد و در جامعه یک اقتدار و امنیت فرهنگی حاکم نمود. زمانی که فرهنگ! به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه ها در سرپرستی جامعه محسوب می شود و وقتی که وابستگی فرهنگی منشأ دیگر وابستگی ها و استقلال آن، زمینه ساز رهیدن از تمام قیود است؛ زمانی که دو نهال سیاست و اقتصاد در زمین فرهنگ غرس می شوند، از آن تغذیه می کنند و با حیات او می زیند؛ زمانی که اولین خط ما و دشمن در نبرد تاریخی و بی امان اسلام و الحاد فرهنگ است و فتح آن توسط رقیب، نقب نفوذ او تا آخرین سنگرهای عقبه و مفتاح الفتوحش در دیگر عرصه هاست، چه جای درک تساهل؟ به همین دلیل بایستی قویاً بر توسعه امنیت فرهنگی که ظرفیت فرهنگ جامعه را ارتقاء داده و ابزار تمهید نظام پرورشی متناسب با اهداف الهی جامعه بشمار می رود تأکید ورزید. بنابراین با اینکه فرهنگ امری ممتاز از سیاست و فرهنگ است لکن هرگز فرهنگ جدای از این دو تحقق عینی نداشته و قابل وقوع نیست و از همین روست که امنیت فرهنگی جدای از امنیت سیاسی و اقتصادی نه واقع می گردد و نه دفع آن بدون توجه به سیاست و اقتصاد هماهنگ با آن میسر است. به تعبیر دیگر آن گاه که امنیت

سیاسی و فرهنگی و اقتصادی هماهنگ شده و سیاست و اقتصاد رنگ فرهنگی به خود بگیرند، مجموعه پیام آور فرهنگی خاص می‌شوند که راه‌های نفوذ همه جانبه خویش را بلامانع می‌سازد و بر این اساس دفع بحران در امنیت فرهنگی جدای از توجه به برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اقتصادی و نقش القایی این دو در فرهنگ امکان‌پذیر نیست.

آن‌ها در پناه خفقان و استبداد به هجوم فرهنگی خویش در قالب عدم کتابت حدیث و عدم رجوع به قرآن ناطق، جامعه را با شعار حسبنا کتاب الله در غباری از تیرگی و انهداند. اما حضرت بر این اساس با بدست گرفتن زمام امور جامعه با ایجاد یک انقلاب فرهنگی در جهت زدودن رسوبات و لایه‌های پیدا و پنهان افکار منحرف، دشمنان را از صحنه بیرون نمود.

مقوله و مؤلفه بعدی ایجاد امنیت فرهنگی، از نظر حضرت امیر(ع)، شبهه افکنی است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ»¹. شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آن‌ها مسیر هدایت الهی است، اما دشمنان خدا، دعوت کننده‌شان در شبهات گمراهی است و راهنمای آنان کوری است. آنچه همواره زمینه ساز، یک حضور جریان سیاسی در جوامع و ملت‌ها گردیده است؛ آغازش با ایجاد شبهه پراکنی توأم بوده است. زیرا شبهه، فضا را تاریک و مبهم کرده و سپس حرکت عینی و سیاسی وارد عمل می‌شود. اساسی‌ترین شبهه‌ای که مسیر صحیح تاریخ را تغییر داد و عامل انحراف میلیون‌ها مسلمان گردید؛ شعار فرهنگی، حسبنا کتاب الله بود.

مطمئناً برای ایجاد یک امنیت فرهنگی، اگر انقلاب سیاسی در وجدان عمومی جامعه مؤثر افتد و گستاخی و جسارت روحی مردم را در برخورد با هر آن چه نام ظلم دارد مضاعف سازد؛ اما نتواند با امنیت فرهنگی گره بخورد که بستر پرورشی جامعه را برای تداوم حرکت سیاسی مهیا کرده و ابزار لازم را برای هدایت چنین حرکتی در اختیار تصمیم سازان و تصمیم گیران نظام می‌گذارد و اگر این دو نتوانند

¹. نهج البلاغه، خطبه 38.

با امنیت اقتصادی هم آوا شوند، حتماً در ادامه راه با مشکلات جدی برخورد خواهد شد. امنیت فرهنگی، ابزار تجسد روحی، تفاهم فکری و تعاون عملی است. غفلت از چنین امنیتی (فرهنگی)، ضرورتاً به تمسک ناخواسته به ابزارهای سیاسی و تبلیغی، که تنها از عهده توجیه وضعیت موجود، آن هم برای مقطعی خاص، برمی آیند؛ منجر می شود. علل و زمینه‌های برقراری بحران و فقدان امنیت فرهنگی در یک بررسی مختصر و با استقرایی ناقص می‌توان به ویژگی‌ها و عواملی دست یافت که در فقدان امنیت فرهنگی نقش محوری و به سزایی را دارا هستند که برخی از آنها توسط دشمن خارجی و برخی دیگر مختص ساختار داخلی جامعه می‌باشد.

8. امنیت سیاسی

سیاست واژه‌ای عربی و از ریشه « ساس یسوس » اخذ شده و معانی آن عبارتند از: پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان، حکومت، ریاست، امر و نهی، سزا و تنبیه، پرورش و پروراندن.¹ در متون و منابع دینی واژه سیاست مکرراً به کار رفته است. از جمله اوصافی که در ادعیه و زیارات برای ائمه اطهار وارد شده «ساسة العباد» است و از این رو، تدابیر امر جامعه و شما کسی باقی نگذارند جز آن کس که برای آن‌ها سودمند باشد یا آزاری بدان‌ها نرساند.

آنچه در بحث امنیت سیاسی در پی آن هستیم این است که در سیاست دینی، هدف غایی نهفته است. سیاست در فلسفه سیاسی اسلام آرمان مقدسی را می‌پوید و چون غایتمند است در جهت تحقق آرمان سیاست اسلامی، متضمن مفهوم هدایت نیز هست. پس سیاست در تفکر سیاسی امیرالمؤمنین علی(ع) عبارت است؛ از امامت و رهبری جامعه براساس مصالح مادی، معنوی و جهت‌گیری سیاست به سمت نظام ارزشی است که در آن حاکم است. بنابراین اداره مدبرانه امور جامعه، بایستی توسط انسان‌های تربیت شده و صالح صورت گیرد. البته سیاست در هر جامعه‌ای متأثر از نظام ارزشی آن کشور است. در اسلام هدف نهایی سیاست، دستیابی به فضیلت و کمال و هدف استکمال انسان هاست. در این راستا در

¹ لغت نامه دهخدا، ذیل سیاست.

حکومت اسلامی، که در جهت بسط عدالت و نظم که از اهداف میانی است می‌کوشد، کرامت و تقوا هدف سیاست است و از نظر اسلام، کرامت در سایه حاکمیت الهی تحقق می‌یابد. حکمت الهی اقتضاء می‌کند که انسان در جهت هدف و کمالی که برایش در نظر گرفته شده است سوق داده شود. لازمه دستیابی به هدف، تنظیم ابزار و وسایل متناسب با آن است و در این رهگذر چه بسا برای دستیابی به هدفی مهمتر، در چهارچوب شرع، از هدف مهم دست برداشته شود. اما در بینش‌های مادی چون کرامت شناخته شده نیست، داعیه‌ای نیز در جهت حرکت به سمت آن وجود ندارد و از هر وسیله‌ای برای اداره جامعه بهره می‌گیرد، همچنان که فرعون نیز در جهت حفظ قدرت و شوکت خود به مانند بعضی از سیاستمداران معاصر، مردان بنی اسرائیل را می‌کشت و زنان‌شان را به اسارت می‌گرفت.

از مقوله‌ها و مؤلفه‌های امنیت سیاسی که مورد تأکید حضرت امیر است ثبات سیاسی و آرامش جامعه است که مردم از این نعمت غافل شده‌اند، تذکر داده و بر این نکته تأکید می‌نماید که قدر و منزلت این نعمت ثبات سیاسی و آرامش جامعه را بدانید. امام پس از تصور آینده دردناک و نابسامان مردم، باز خبر از امنیت سیاسی و اجتماعی می‌دهد و بشارت‌شان داده و می‌فرماید: اءَلَا اِنَّ اءَخْوَفَ اَلْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةً بَيْنِي اءَمِيَّةً فَاِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خَطُوتُهَا، وَ اءَخَصَّتْ بَلِيَّتُهَا، وَ اءَصَابَ اَلْبَلَاءُ مَنْ اءَبْصَرَ فِيهَا، وَ اءَخْطَاءُ اَلْبَلَاءِ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا، وَ اِيْمُ اَللّٰهِ لَتَجِدَنَّ بَيْنِي اءَمِيَّةً لَكُمْ اءَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي كَالنَّابِ الضَّرُّوسِ، تَعْذِمُ بِفِيهَا وَ تَخْبِطُ بِبِيْدِهَا وَ تَزْبِنُ بِرِجْلِهَا وَ تَمْنَعُ دَرَّهَا. لَا يَزَالُونَ بِكُمْ حَتَّى لَا يَتْرُكُوا مِنْكُمْ اِلَّا نَافِعًا لَهُمْ اءَوْ غَيْرَ ضَائِرٍ بِهِمْ، وَ لَا يَزَالُ بَلَاؤُهُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ اَنْتِصَارُ اءَحَدِكُمْ مِنْهُمْ اِلَّا كَاَنْتِصَارِ اَلْعَبْدِ مِنْ رَبِّهِ وَ الصَّاحِبِ مِنْ مُسْتَصْحَبِهِ، تَرُدُّ عَلَيْكُمْ فِتْنَتَهُمْ شَوْهَاءَ مَحْشِيَّةٍ، وَ قِطْعًا جَاهِلِيَّةٍ، لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى وَ لَا عِلْمٌ يُّرَى ، نَحْنُ اءَهْلُ اَلْبَيْتِ مِنْهَا بِمَنْجَاهٍ، وَ لَسْنَا فِيهَا بِدُعَاةٍ ثُمَّ يُفَرِّجُهَا اَللّٰهُ عَنْكُمْ كَتَفْرِيجِ اَلْءَدِيمِ بِمَنْ يَسُوْمُهُمْ حَسْفًا، وَ يَسُوْفُهُمْ غُنْفًا. آگاه باشید، که ترسناکترین فتنه‌ها، فتنه بنی امیه است که می‌ترسم گرفتار آن گردید. فتنه بنی امیه فتنه‌ای است کور و تاریک. فرمانرواییش همه را در برگیرد ولی گزندش گروهی خاص را رسد. هرکس آن فتنه را ببیند گزندش به او رسد و آنکه نبیندش از گزندش برکنار ماند. به

خدا سوگند پس از من بنی امیه را فرمانروایانی نابکار خواهید یافت. چون ماده شتری پیر و بدخو که به هنگام دوشیدن به دهان گاز گیرد و دستها بر زمین کوبد و لگد اندازد و نگذارد کسی شیرش را بدوشد. بنی امیه در میان شما همواره چنین باشند، و در میان شما باقی نگذارند، مگر کسی که به حالشان سودمند بود یا دست کم زبانی از او نزاید. بلا و فتنه این قوم در میان شما بر دوام بود تا انتقام گرفتن شما از یکی از ایشان چونان انتقام گرفتن برده ای از صاحبش شود، یا تابعی از متبوعش. فتنه و فساد بنی امیه را، که به سراغ شما می آید، چهره ای است زشت و هول انگیز، شیوه کارش به شیوه زمان جاهلیت ماند. نه نور هدایتی در آن پدیدار است و نه نشانه ای از راه حق در آن دیده شود و ما اهل بیت از گناه آن فتنه ها بدوریم و نتوانیم از دعوت کنندگان باشیم. سرانجام، خداوند آن فتنه ها را از شما دور گرداند، چون دور کردن پوست از تن حیوان، به دست کسی که بنی امیه را به خواری و مذلت افکند و بقهر از تخت فرمانروایی به زیر کشد و شرنگ مرگ به جانشان ریزد و جز به زبان شمشیر با آنان سخن نگوید و جز پلاس خوف بر آنان نپوشاند»¹.

نمود یک امنیت سیاسی، جوامع و ملت‌ها را با بحران‌های بسیار مواجه خواهد ساخت. اما این نعمت را خطاب به کوفیان این گونه بیان نمود: « وَ لَقَدْ أَحْسَنْتُمْ جَوَارِكُمْ وَ أَحَطْتُمْ بِجَهْدِي مِنْ وَرَائِكُمْ وَ أَعْتَقْتُمْ مِنْ رَبِّي الدُّلَّ وَ حَلَقِ الضِّمِّمِ شُكْرًا مِّنِّي لِلْبُرِّ الْقَلِيلِ وَ إِطْرَاقًا عَمَّا أَدْرَكَهُ الْبَصَرُ وَ شَهْدَةَ الْبَدَنِ مِنَ الْمُنْكَرِ الْكَثِيرِ. با شما به نیکویی زندگی کردم و به قدر توان از هرسو نگهبانی شما دادم و از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات داده و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم تا سپاسگذاری فراوان من برابر نیکی شما اندک باشد. و چشم‌پوشی از ارزشهای شما بسیار دیدم و با بدن لمس کردم»². همانگونه که ملاحظه می‌شود؛ رهبری، انسان و هدایت سیاسی (سه واژه، مؤلفه و مقوله قرین و حاکی از مفاهیمی مقرون بایکدیگرند. در هر جامعه‌ای، امین انیس یگانه راهبری است که انگ عصیان به جان شیرین خود می‌خرد تا افکارهای

1. خطبه 92.

2. خطبه 159.

ننگین کفر و شرک، بندگی و بردگی را بزداید. سنگینی و سوز غلّ و زنجیر جهالت و دنائت، او را بر نمی‌تابد تا به اشک دل و سرخی دیده اغلال محکومین دنیوی را ذوب نماید. بنابراین امام و دین، نقش محوری خود را در زدودن بندهای اسارت انسانی و اعلام پیک‌هایی به شام دل‌های منتظر و امیدوار آشکار می‌سازد.

دین در جایگاه حکومت بر زمان و مکان و ارائه قوانین توسعه تاریخ قرار داد، ضرورتاً بایستی امنیت سیاسی جامعه اسلامی نیز منتسب به مبانی مستدلّ دینی شود؛ چه در غیر این صورت در مقابل عمل و تحقّق اجتماعی، پرچم‌داری اعتلای کلمه عدل و اضمحلال واژه ظلم را به دست نظام غیر دینی سپرده و جامعه را دائماً در معرض ابتلاء به مواضع غیر فعال و انفعالی قرار داده‌ایم.

مؤلفه دیگر امنیت سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، وجود امامت و رهبری در جامعه است؛ آن حضرت، وقتی پس از ارتحال رسول اکرم (ع) با جریان غضب خلافت مواجه شد و جامعه را با جوّ خفقان فاقد امنیت سیاسی دید؛ در خطبه معروف خود از این بی‌ثباتی پرده برمی‌دارد و عامل بحران و عدم امنیت را عدم حضور امامت اعلام کرده و می‌فرماید: «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ [ابن اَبی فُحَافَةَ] وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلَّيْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى، يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ، فَسَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا وَ طَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحًا وَ طَفَقْتُ أُرْتَبَى بَيْنَ أَنْ أُصُولَ بَيْدِ جَدَاءٍ أَوْ أُصْبَرَ عَلَى طَحْيَةِ عَمِيَاءٍ، يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَ يَشِيبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ، فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَائِي نُهْبًا. آگاه باشید! به خدا سوگند ابابکر، جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد». «سرانجام اولی حکومت را به راهی درآورد، و به دست کسی سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سخت‌گیری، اشتباه و پوزش‌طلبی بود. زمامدار مانند کسی است که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد در پرتگاه سقوط می‌کند. سوگند به خدا، مردم در

حکومت دومی، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دو رویی‌ها و اعتراض‌ها شدند و من در این مدت طولانی محنت‌زا و عذاب‌آور، چاره‌ای جز شکیبایی نداشتم تا آن که روزگار عمر من سپری شد.¹

به نظر امام علی‌علیه السلام دولت به عنوان نهادِ دارایِ قدرت سیاسی و حکومت، نهادی است که حق استفاده از قدرت، اقتدار و توانایی مذکور را دارد. روش به قدرت رسیدن حاکم (وراثت، وصایت، خلافت، زور و یا با انتخاب آزادانه مردم) از متغیرهای میزان وجود امنیت سیاسی در جامعه است، چرا که موجب تأثیر در بینش و رفتار سیاسی او و در برخورد با مخالفان می‌گردد. از شیوه‌های روی کار آمدن حاکم، بیعت است که از دیدگاه امام علی(ع) نشان اقبال عمومی جامعه به دولت است.

دولت دارای دو شرط لازم مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی است. نبودن تهدید و تطمیع و وجود زمان کافی برای تصمیم‌گیری بیعت‌کنندگان از شرایط تحقق بیعت از دیدگاه امام علی‌علیه السلام به شمار می‌رود. شکل رژیم سیاسی و نحوه توزیع قدرت را در امنیت سیاسی جامعه مؤثر است؛ یعنی رژیم‌های مردمی از امنیت سیاسی بالا و رژیم‌های استبدادی از امنیت سیاسی کمی برخوردارند. ظهور خشونت (تعارض فقرا با ثروت‌مندان و زمامداران با مخالفان طالب قدرت)، رکود فکری (چون مطلق اندیشی در نظام استبدادی با اصل آزادی بیان و عقیده تباین دارد)، زمینه گسترش فساد و ناپایداری حاکمیت (چون سنت الهی سقوط حاکمان مستبد است) به منزله پیامد مهم استبداد از دیدگاه امام علی(ع) موجب بروز ناامنی در جامعه و زوال امنیت سیاسی می‌شوند. مثلاً هرچه جامعه از خشونت کمتری برخوردار باشد، امنیت سیاسی آن جامعه بیشتر است. پس استبداد منجر به خشونت و خشونت نیز مانع تعادل و امنیت سیاسی در جامعه می‌شود. به نظر امام علی‌علیه السلام استبداد به انحصارطلبی می‌انجامد که موجب قیام مردم علیه حکومت می‌شود؛ مثل قیام مردم علیه خلیفه سوم. البته از نگاه امام علی‌علیه السلام بین خشونت و قاطعیت تفاوت وجود دارد.

1. خطبه 3.

بر حسب روایات اسلامی، سیاست و حکومت، شعبه‌ای از امامت است و یکی از ویژگی‌های امام، علم و آگاهی نسبت به سیاست است: «الْإِمَامُ عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ» امام عالم، آگاه و برپا دارنده رهبری جامعه و آگاه به سیاست است» (کلینی، 1393: 202) (اعمال سیاست از خصایص رهبران الهی است که به واسطه آن انسان‌ها در راستای هدف خلقت تربیت می‌شوند. و از مؤلفه‌های دیگر امنیتی سیاسی، حضور امامی است که به سیاست دانا و عالم است.

8. امنیتی قضایی

قضا و جایگاه آن در فرهنگ و نظام اسلامی، از پایگاهی رفیع، خدایسندانه و مردمی برخوردار است. باید حکومت را با قضاوت عادلانه تفسیر کرده و روح حکومت را در قضاوت به حق و گسترش عدالت در جامعه تعریف نماییم، در فرهنگ انبیا و فرهنگ اسلامی، قضاوت از جایگاه بلندی برخوردار است و به حق قضاوت کار انبیا است. در فرهنگ علوی (ع) نیز قضاوت به حق و استفاده از فنون قضایی، امنیتی قضاوت و کارگزاران قضایی و استقلال و امنیتی قضایی مردم از مسایل مهم و قابل توجهی است که مراجعه به سیره و سنت آن بزرگوار حاوی درس‌های آموزنده و حکیمانه‌ای است که چراغ راه امت خواهد بود. تأکید اسلام بر شرایط قضاوت و کارگزاران قضایی و عدالت و علم و حکمت و تجربه و رعایت دقیق ضوابط، نشان‌دهنده عمق و اهمیت این وظیفه سنگین است. امیرالمؤمنین علی (ع) از مؤلفه‌های امنیتی قضایی، آشکار کردن حق، توسط قاضی می‌داند و درباره رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «الْمَعْلَنُ الْحَقَّ بِالْحَقِّ. آشکارکننده حق به نیروی حق و برهان».¹ امام علی (ع) یکی از راه‌های نجات اسلام را اصلاح دستگاه عدالت و بنیان‌گذاری سیستم دادرسی می‌داند و تضمین امنیتی قضایی افراد در جامعه مستلزم رعایت سه اصل انتخاب قاضی، شرایط قاضی و وظایف دولت در برابر قاضی است؛ یعنی قاضی باید از نظر علم، اخلاق و تقوا از دیگران برتر باشد. قاضی باید دارای سعه صدر، عدم پافشاری بر اشتباه خود، تقوا، تلاش در رسیدن به حق، برخورداری از

1. خطبه 72.

استدلال قوی، قاطع و جدی در اجرای عدالت و شرایط دیگر باشد. دولت در برابر قاضی، اگر به وظایف خود (نظارت بر کار قضاوت، تأمین امکانات مورد نیاز زندگی قاضی و حفظ اعتبار و شخصیت قاضی) عمل نماید، امنیت قضایی بیشتری ایجاد خواهد شد.

حضرت امیر از مؤلفه‌های دیگر امنیت قضایی، عدالت داشتن در حکم و روشن و آشکار بودن سخن قاضی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «حُكْمُهُ الْعَدْلُ كَلَامُهُ بَيِّنٌ. حَكْمٌ أَوْ عَدْلٌ، وَ سَخْنٌ أَوْ رُوشَنٌ اسْتِ». ¹ و در عبارت دیگر نیز به این موضوع تأکید کرده و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْخَلْقِ أَفْضَاهُمْ بِالْحَقِّ. بَرْتَرِينَ مَرْدَمِ كَسَى اسْتِ كِه بِيْشْتَرِ بِه حَقِّ قِضَاوْتِ كَنْد. (آمدی، 1383: 214) و در مقابل فرمود: «شَرُّ الْقُضَاةِ مَنْ جَارَتْ أَقْضِيَّتُهُ؛ بَدْتَرِينَ قَاضِي هَا كَسَى اسْتِ كِه سْتَمْغَرَانِه دَاوَرِي كَنْد. (همان: 410) بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های امنیت قضایی، عدم قضاوت ستمگرانه است.

از نظرگاه امام علی (ع)، انتخاب قاضی برگزیده و شایسته از دیگر مؤلفه‌های ایجاد امنیت قضایی در جامعه است. در این موضوع می‌فرماید: «ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رِعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ، مِمَّنْ لَا تَضِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ، وَلَا تَمْحُكُهُ الْخُصُومُ، وَلَا يَتَمَادَى فِي الزَّلَّةِ، وَلَا يَحْضَرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ، وَلَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ، وَلَا يَكْتَفِي بِأَدْنَى فَهْمٍ دُونَ أَفْصَاهُ، وَأَوْفَقَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ، وَأَخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ، وَأَقْلَهُمْ تَبَرُّماً بِمُرَاجَعَةِ الْخَصْمِ، وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشُفِ الْأُمُورِ، وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ انْصَاحِ الْحُكْمِ، مِمَّنْ لَا يَزْدَهِيهِ إِطْرَاءٌ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ وَأَوْلَيْكَ قَلِيلٌ؛ ثُمَّ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ، وَأَفْسَحَ لَهُ فِي الْبَدْلِ مَا يُزِيلُ عِلْتَهُ، وَتَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ، وَأَعْطَاهُ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ، لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالَ الرَّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ. فَأَنْظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا، فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسْبِيْرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى، وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا. وَ بَرَى دَاوَرِي دَر مِيَان مَرْدَمِ، يَكِي از افراد رعيت را بگزين كه در نزد تو برتر از ديگران بود. از آن كسان، كه كارها بر او دشوار نمي آيد و از عهده كار قضا برمي آيد. مردی كه مدعيان با ستيزه و لجاج، رأی خود را بر او تحميل نتوانند

کرد و اگر مرتکب خطایی شد، بر آن اصرار نورزد و چون حقیقت را شناخت در گرایش به آن درنگ ننماید و نفسش به آزمندی متمایل نگردد و به اندک فهم، بی آنکه به عمق حقیقت رسد، بسنده نکند. قاضی تو باید، از هر کس دیگر موارد شبهه را بهتر بشناسد و بیش از همه به دلیل متکی باشد و از مراجعه صاحبان دعوا کمتر از دیگران ملول شود و در کشف حقیقت، شکیباتر از همه باشد و چون حکم آشکار شد، قاطع رأی دهد. چرب زبانی و ستایش به خودپسندیش نکشاند. از تشویق و ترغیب دیگران به یکی از دو طرف دعوا متمایل نشود. چنین کسان اندک به دست آیند. پس داوری مردی چون او را نیکو تعهد کن و نیکو نگه دار. و در بذل مال به او، گشاده دستی به خرج ده تا گرفتاریش برطرف شود و نیازش به مردم نیفتد. و او را در نزد خود چنان منزلتی ده که نزدیکانت در باره او طمع نکنند و در نزد تو از آسیب دیگران در امان ماند. در این کار، نیکو نظر کن که این دین در دست بدکاران اسیر است. از روی هوا و هوس در آن عمل می کنند و آن را وسیله طلب دنیا قرار داده اند»¹.

از مؤلفه‌های دیگر ایجاد امنیتی قضایی، شناسایی قاضی جاهل و نادان است؛ سخنی از آن حضرت (ع) در وصف کسانی که داوری میان مردم را به عهده می گیرند و شایسته آن نیستند؛ ایشان می فرمایند: «أبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ صِنْفَانِ، الصَّنْفُ الْأَوَّلُ: إِنَّ أُبْغِضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ [تَعَالَى] رَجُلَانِ، رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِرٌ عَنِ قَصْدِ السَّبِيلِ مَشْغُوفٌ بِكَلَامِ بَدْعِهِ وَدُعَاءِ ضَلَالِهِ، فَهُوَ فَتَنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ بِهِ، ضَالٌّ عَنِ هَدْيٍ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ، رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ. دشمترین مردم در نزد خدا، دو کس باشند. یکی آنکه خداوند او را به حال خود رها کرده، پس، از راه راست منحرف گشته است، به سخنان بدعت آمیز دل بسته و مردم را به ضلالت فرا می خواند. فریبی است برای کسی که بدو فریفته شود. از راه هدایتی که پیشینانش به پیش پای گشانده اند، رخ بر می تابد

و کسانی را که در ایام حیاتش یا پس از مرگش به او اقتدا می‌کنند، گمراه می‌سازد. بار خطاهای دیگران بر دوش کشد و در گرو خطای خود باشد.¹

امام علی(ع) از مؤلفه‌های ایجاد امنیت قضایی در جامعه، ضرورت وجود سیستم قضایی می‌داند

ضرورت وجود سیستم قضا آنجا مشخص می‌شود که «انسان در پرتو تعالیم پیامبران آسمانی تربیت نشود و خودسازی نکرد، غرایز حیوانی خود را کنترل نکرد و به فکر فریب انسانی دیگر با انواع روش‌های شیطانی شد، ستم کرد، به حریم اجتماعی و اقتصادی دیگری تجاوز کرد، همه چیز را برای خود خواست و در این راه به هر کسی جفا کرد و ارزش‌ها را ندید اینجاست که مسئله قضا و داوری به عنوان یک ضرورت اجتماعی مطرح می‌شود.» (فرسنگی و احمدی، 1393: 82) آن امام همام فرموده اند: امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز با خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گیرند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی خصوصی مورد اعتمادند.² واضح است برای برقراری امنیت قضایی در دو بُعد امنیت قضاوت و امنیت مردم، شرط اول، وجود نظام قضایی کارآمد و عدالت‌خواه و قوانین کارآمد و آیین دادرسی راهگشا و کارکنان متعهد و هوشمند و فضای سالم و عدالت‌خواه و فرهنگ لازم جهت حمایت‌های قضایی و عدالت‌خواهی و پرهیز از حاکمیت سلیقه‌ها و باندها بر دستگاه قضایی و پیشگیری از وسوسه‌ها و نفوذی‌های حیل‌گر و ارتباطات ناسالم و برخورد با مفاسد، از جمله رشوه‌خواری و سوء استفاده و فرصت‌طلبی و حاکمیت روابط بر ضوابط است.

1. خطبه 17.

2. نامه 32.

10. امنیت مرزی

امام علی(ع) به ضرورت پاسداری از مرزهای کشور توسط دولت اشاره می‌کند و آن را برای حفظ امنیت کشور و مردم لازم می‌داند. در این راستا، وظایف متقابل زمام‌دار و مرزبانان را بیان می‌کند. امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «أَمَّا بَعْدَ فَإِنَّكَ مِمَّنِ اسْتَظْهَرَ بِهِ عَلِيَّ إِقَامَةَ الدِّينِ وَ اقْمَعِ بِهِ نَخْوَةَ الْإِثْمِ وَ اسدِ بِهِ لِهَاءِ الثَّغْرِ الْمَخُوفِ بِيْ غَمَانٍ تُوْ از کسانی هستی که من در اقامه دین خدا و اجرای قوانین الهی و در هم شکستن غرور جنایتکاران و پاسداری از مرزهای حساس کشور به نیروی آنها تکیه و اعتماد می‌کنم».¹

امام می‌فرماید: اقامه دین و ریشه‌کن کردن غرور گناهکاران و جباران و انسداد مرزهای حساس و گلوگاه‌های دشمن را به وسیله تو می‌بندم. تو در کارهای مهم از خداوند استعانت جوی و سختی و شدت را با نرمی درآمیز و هر جا رفق مؤثرتر باشد، از آن استفاده کن و هر جا جز شدت جواب ندهد، با قاطعیت برخورد کن و در هر حال با رعیت و مردم مهربان باش و آغوش را برای آنها بگشا و با گشاده‌رویی با آنان برخورد کن و با نرمی با آنان معاشرت بنما و در ملاحظه و نظر کردن و تحیت گفتن با آنان یکسان رفتار کن تا بزرگان طمع در ستم کردن به تو نکنند و ضعیفان از عدل تو مأیوس نشوند. خبر به آن حضرت رسید که لشکریان معاویه به شهر مرزی انبار حمله کرده و به مال و جان مردم یورش آورده‌اند و خلخال و دستبند از پا و دست زنان مسلمان و کسانی که در پناه حکومت اسلام هستند، در آورده و پیروزمندان برگشته‌اند و کسی در برابر آنها نایستاده است، فرمود: «أَلَا وَ إِيَّيْ قَدْ دَعَوْتُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا وَ قُلْتُ لَكُمْ اغزؤهم قَبْلَ أَنْ يَغزؤكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَزِي قَوْمٌ قَطُّ فِي غَفْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا؛ فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَحَادَثْتُمْ حَتَّى شَنَنْتُمْ عَلَيْنَكُمُ الْغَارَاتُ وَ مَلِكْتُ عَلَيْكُمُ الْأَوْطَانَ. [فَهَذَا] وَ هَذَا أُخُو

¹. نامه 46.

عَامِدٍ [و] قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَ قَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَ أزالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا وَ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَتَرَعَّ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَائِدَهَا وَ رُعْتَهَا مَا تَمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ، ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَ أَفْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ. فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا. شب و روز، در نهران و آشکارا، شما را به نبرد با این قوم فرا خواندم و گفتم که پیش از آنکه سپاه بر سرتان کشند، بر آنها بتازید. به خدا سوگند، به هیچ قومی در خانه هایشان تاخت نیاوردند. مگر آنکه زبون خصم گشتند. شما نیز آن قدر از کارزار سر بر تافتید و کار را به گردن یکدیگر انداختید و یکدیگر را نصرت ندادید، تا هرچه داشتید به باد یغما رفت و سرزمینتان جولانگاه دشمنانتان گردید. اکنون، این مرد غامدی است، که با سپاه خود به شهر انبار در آمده است. و حسان بن حسان البکری را کشته است و مردارانتان را رانده است و کار را به آنجا رسانیده اند که شنیده ام که یکی از آنها بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری، بر زنی از اهل ذمه و، خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره اش را ربوده است. و آن زن جز آنکه انا لله... گوید و از او ترحم جوید چاره ای نداشته است. آنها پیروزمندان، با غنایم، بی آنکه زخمی بردارند، یا قطره ای از خونشان ریخته شود، بازگشته اند. اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است»¹.

با توجه به خطبه 27 نهج البلاغه از مؤلفه‌های مهم امنیت مرزی این است که همه ناموس امام هستند و حکومت اسلامی نسبت به همه مسؤولیت دارد، تا جایی که نه تنها زنان معاهد در شهر انبار باید در سایه امن و امان حکومت اسلامی باشند که در شام یا یمامه اگر گرسنه‌ای باشد، امام مسلمانان هرگز آرام ندارد و برای او قابل تحمل نیست؛ خود سیر باشد و ملتش گرسنه باشند. همه فرزندان و برادران دینی او همانند او انسان و از حقوق انسانی برخوردار هستند: «فَإِنَّ النَّاسَ صِنْفَانِ أَمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ. همانا مردم دو گروه اند؛ یا برادر شما و یا

1. خطبه 27.

همانند شما در آفرینش هستند¹. امنیتی فراگیر در مرزها و شهرها و گستره اسلام و مسؤولیت حکومت و کارگزاران در پاسداری از مرزها و حقوق انسانی و حقوق شهروندان ضروری است.

یافته‌های مقاله

کدگذاری باز

در کدگذاری باز نمونه تئوریک، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه که مرتبط با موضوع امنیت است؛ مبنای پژوهش قرار داشت. کدهای مربوط به کدگذاری باز به مفاهیم خاصی اشاره دارد. حروف «خ، ن، ح» به ترتیب اشاره به خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها که در جدول 1 مشخص شده است. عدد بعد از حروف «خ، ن، ح» اشاره به شماره آن‌ها در نهج البلاغه دارد.

جدول 1- نمونه‌های تئوریک

ردیف	نمونه تئوریک	نشانه
1	امنیت فردی	سلام کردن - اسلام آوردن - پناه گرفتن در اسلام - رضایت و خشودوی خدا- نیکی به دیگران- چشم پوشی از لغزش دیگران - نصیحت نادانان - تلاش در تربیت- آموزش رسوم زندگی
2	امنیت خانوادگی	شوهر داری نیکو - تربیت نیکو - فرزندان پاره تنند - فرزندان جان و روح والدین - راهنمایی فرزند - اطاعت از والدین- آموزش قرآن و دستورات آن - مراقبت از فرزندان - کار فرزند را کار خود دانستن - ایجاد اصلاح در جامعه
3	امنیت اجتماعی	ایجاد اصلاح در جامعه - برابری زندگی مسئولین و مردم- گشاده رویی با مردم - با مردم مهربان بودن - اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین - محاسبه مؤمنانه مالیات - استخدام خویشاوندان مسئولین - امام سبب امنیت از پراکندگی جامعه - امام مایه امنیت جامعه- هماهنگی آداب و رسوم با اخلاق- پرداخت حق مردم توسط نامداران- پرهیز از جدل و لجاجت آمیز با مردم - در امان بودن از دست و زبان هم - نشنیدن سخنان مردم در مورد مؤمنان - پرهیز از بدگویی از دیگران - پرهیز از زود باوری شایعات - پرهیز از آبروریزی مسلمانان - پرهیز از سخن باطل - امر به معروف و نهی از منکر - نداشتن دین یعنی نبود امنیت - پرهیز از غیبت کردن دیگران

¹ نامه 53.

4	امنیّت معنوی	اسلام آوردن - اسلام پناهگاه امن - وجود پیامبر اسلام - استغفار کردن - مناجات با خدا - توکل - یاد خدا - پناه بردن به خدا - ترس از خدا - امید به خدا - گشودن راه نجات - آرامش در جستجوی حق
5	امنیّت روحی و روانی	معنادار بودن زندگی - دنیا خانه جاویدان نیست - هدفدار بودن آفرینش انسان - داشتن هدف واقعی در زندگی - دفع بلا با دعا کردن - توفیق فقط از خداست - توبه و انابه کردن - خوش رفتاری با همسایگان - اعتماد به خدا - نیکی به همسایگان - مجالست با خویشاوندان - محبت ورزیدن و محبت دیدن - عدم بی نیازی از خویشاوندان - دفاع خویشاوندان از انسان - صله ارحام - دوری از چراگاه دنیا - دل نیستن به دنیا - پرهیز از تکلف در زندگی - جمع نکردن ثروت - احساس بی نیازی به دنیا - دوری از حرص و طمع - با دیده عبرت به دنیا نگاه کردن
6	امنیّت اقتصادی	پرداخت حقوق فقرا از اموال توانگران - مؤاخذه توانگران بی درد توسط خدا - بازگرداندن بیت المال به صاحبان اصلی - عدالت محوری در جامعه - تقسیم مساوی و عادلانه ارث - تقسیم غنائم جنگی بین نیازمندان - غنیمت شمردن کمک به مستمندان - مدد رساندن به نیازمندان - وام دادن فقرا
7	امنیّت فرهنگی	شباهت فتنه ها با حق - شناخته نشدن فتنه ها در آغاز - شباهت فتنه ها به گرداب گردبادها - شباهت آغاز فتنه ها به جوانی پر قدرت و زیبا - آثار زشت ماندگار فتنه ها - شباهت شبهه با حق - مسیر هدایت الهی - روی آوردن فتنه ها - شناخته شدن فتنه ها در انجام - عبور فتنه ها از همه جا
8	امنیّت سیاسی	قدر آرامش جامعه را دانستن - نپذیرفتن چیزی به اصرار - رفتار نیکوی زمامداران با مردم - نگرهبانی و حراست از مردم - نجات مردم از ذلت و بردگی - رهایی بخشیدن مردم از ستم - دوری از ایجاد جو خفقان - حکومت حاکم عادل بر جامعه - زمانداری سوار بر شتری سرکش است - پرهیز از دورویی و نفاق در حکومت - بیعت قلبی مردم با حاکم - پرهیز از تهدید و تطمیع مردم - پرهیز از ثروت و قدرت طلبی - پرهیز از خشونت - پرهیز از ایجاد رکود فکری - پرهیز از استبداد
9	امنیّت قضایی	آشکار کردن حق با برهان - حکم عادلانه دادن - سخن روشن در حکم - پیشگیری از سرکشی ستمگر - نالیدن از قضاوت دروغین - شناسایی قاضی جاهل - ضرورت وجود سیستم قضایی - استوار کردن معاملات
10	امنیّت مرزی	اعتماد به نیروهای مرزی - مردن نیروهای معتمد در مرز - پاسداری از مرزهای حساس - دغدغه حکمرانان و زمامداران به حفظ مرز - امنیّت فراگیر در مرزها - ضرورت پاسداری کارگزاران از مرزها

گام بعدی، استخراج مفاهیم و مقوله‌ها از نمونه‌های تئوریک جدول 1 را می‌توان در جدول 2 مشاهده نمود.

در نمونه‌گیری تئوریک، مجموعاً 10 مؤلفه و مقوله اصلی و تعداد 122 مفهوم و نشانه به شرح زیر استخراج شده است:

جدول 2 - ظهور ابعاد و مقوله‌ها از مفاهیم استخراج شده در نمونه تئوریک

جدول 1

نشانه	مفاهیم	مؤلفه	نشانه	مفاهیم	مؤلفه
خ 63	معنادار بودن زندگی	5. امنیت روحی و روانی	ح 252	سلام کردن	1. امنیت فردی
خ 63	دنیا خانه جاویدان نیست		خ 106	اسلام آوردن	
خ 63	هدفدار بودن آفرینش انسان		خ 106	پناه گرفتن در اسلام	
خ 63	داشتن هدف واقعی در زندگی		خ 160	رضایت و خشنودی خدا	
ح 138	دفع بلا با دعا کردن		خ 159	نیکی به دیگران	
ن 28	توفیق فقط از خداست		خ 159	چشم پوشی از لغزش دیگران	
ن 28	توبه و انابه کردن		خ 34	نصیحت نادانان	
ن 47	خوش رفتاری با همسایگان		خ 34	تلاش در تربیت	
ن 28	اعتماد به خدا		خ 34	آموزش رسوم	

				زندگی	
ن 48	نیکی به همسایگان		ح 136	شوهر داری نیکو	2. امنیت خانوادگی
خ 23	مجالست با خویشاوندان		ح 3	تربیت نیکو	
خ 23	محبت ورزیدن و محبت دیدن		ن 31	فرزندان پاره تنند	
خ 23	عدم بی نیازی از خویشاوندان		ن 31	فرزندان جان و روح والدین	
خ 23	دفاع خویشاوندان از انسان		ن 31	راهنمایی فرزند	
خ 110	صله ارحام		ح 3	اطاعت از والدین	
ح 367	دوری از چراگاه دنیا		ح 3	آموزش قرآن و دستورات آن	
ح 367	دل نبستن به دنیا		ن 31	مراقبت از فرزندان	
ح 367	پرهیز از تکلف در زندگی		ن 31	کار فرزند را کار خود دانستن	
ح 367	جمع نکردن ثروت		خ 129	ایجاد اصلاح در جامعه	
ح 367	احساس بی نیازی به دنیا		خ 209	برابری زندگی مسئولین و مردم	
ح 367	دوری از حرص و طمع		خ 29	گشاده رویی با مردم	

ح 367	با دیده عبرت به دنیا نگاه کردن		خ 27	با مردم مهربان بودن	3. امنیت اجتماعی
ح 328	پرداخت حقوق فقرا از اموال توانگران		خ 28	اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین	
ح 328	مؤاخذه توانگران بی درد توسط خدا		ن 53	محاسبه مؤمنانه مالیات	
خ 15	بازگرداندن بیت المال به صاحبان اصلی		ن 53	استخدام خویشاوندان مسئولین	
خ 15	عدالت محوری در جامعه		خ 5	امام سبب امنیت از پراکندگی جامعه	
ح 270	تقسیم مساوی و عادلانه ارث	6.	ن 69	امام مایه امنیت جامعه	
ح 270	تقسیم غنایم جنگی بین نیازمندان	امنیت اقتصادی	ح 401	هماهنگی آداب و رسوم با اخلاق	
ن 31	غنیمت شمردن کمک به مستمندان		خ 216	پرداخت حق مردم توسط نامداران	
ن 31	مدد رساندن به نیازمندان		ح 362	پرهیز از جدل و لجاجت آمیز با مردم	
ن 31	وام دادن فقرا		خ 167	در امان بودن از دست و زبان هم	

خ 93	شباهت فتنه ها با حق	7. امنیّت فرهنگی	خ 141	نشیندن سخنان مردم در مورد مؤمنان	
خ 93	شناخته نشدن فتنه ها در آغاز		خ 141	پرهیز از بدگویی از دیگران	
خ 93	شباهت فتنه ها به گرداب گردابها		خ 141	پرهیز از زود باوری شایعات	
خ 92	شباهت آغاز فتنه ها به جوانی پر قدرت و زیبا		خ 141	پرهیز از آبروریزی مسلمانان	
خ 92	آثار زشت ماندگار فتنه ها		خ 141	پرهیز از سخن باطل	
خ 38	شباهت شبیهه با حق		ح 31	امر به معروف و نهی از منکر	
خ 38	مسیر هدایت الهی		خ 185	نداشتن دین یعنی نبود امنیّت	
خ 193	روی آوردن فتنه ها		ح 461	پرهیز از غیبت کردن دیگران	
خ 93	شناخته شدن فتنه ها در انجام				
خ 193	عبور فتنه‌ها از همه‌جا		خ 106	اسلام آوردن	
خ 93	قدر آرامش جامعه را دانستن	خ 106	اسلام پناهگاه امن		
خ 93	نپذیرفتن	ح 88	وجود پیامبر		

	چیزی به اصرار	امنیت سیاسی	اسلام	
خ 159	رفتار نیکوی زامداران با مردم		استغفار کردن ح 88	
خ 159	نگهبانی و حراست از مردم		مناجات با خدا ح 11	
خ 159	نجات مردم از ذلت و بردگی		توکل خ 227	
خ 159	رهایی بخشیدن مردم از ستم		یاد خدا خ 227	
خ 3	دوری از ایجاد جو خفقان		پناه بردن به خدا خ 227	
خ 3	حکومت حاکم عالم عادل بر جامعه		ترس از خدا خ 103	
خ 3	زمانداری سوار بر شتری سرکش است		امید به خدا خ 103	
خ 3	پرهیز از دورویی و نفاق در حکومت		گشودن راه نجات خ 103	
خ 3	بیعت قلبی مردم با حاکم		آرامش در جستجوی حق خ 103	
خ 3	پرهیز از تهدید و تطمیع مردم		آشکار کردن حق با برهان خ 72	
خ 3	پرهیز از ثروت اندوزی، قدرت طلبی،		حکم عادلانه دادن خ 194	9.

امنیت قضایی					
خوشونت، استبداد و رکود فکری					
ن 46	اعتماد به نیروهای مرزی	10. امنیت مرزی	خ 94	سخن روشن در حکم	
ن 46	مردن نیروهای معتد در مرز		خ 23	پیشگیری از سرکشی ستمگر	
ن 46	پاسداری از مرزهای حساس این		خ 18	نالدن از قضاوت دروغین	
خ 27	دغدغه حکمرانان و زاماداران به حفظ مرز		خ 17	شناسایی قاضی جاهل	
ن 53	امنیت فراگیر در مرزها		ن 53	ضرورت وجود سیستم قضایی	
ن 53	ضرورت پاسداری کارگزاران از مرزها		ن 53	استوار کردن معاملات	

کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری ارتباط مقولات و مفاهیم با یکدیگر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در یک بررسی مقایسه‌ای این مقولات در سه طبقه جای می‌گیرند؛ که عبارت‌اند از: ارزش‌های بنیادین، ارزش‌های اساسی و ارزش‌های کارکردی. روابط این ارزش‌ها به صورت یک فرآیند قیاسی طی می‌شود؛ به طوری که ارزش‌های کارکردی ذیل ارزش‌های اساسی تعریف می‌شود و ارزش‌های اساسی نیز به مراتب ذیل، ارزش بنیادین معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

ارزش های کارکردی:

سلام کردن، نیکی به دیگران، چشم پوشی از لغزش دیگران، آموزش رسوم زندگی، شوهرداری نیکو، تربیت نیکو، راهتمایی فرزند، اطاعت از والدین، پرداخت حق مردم توسط نمایندگان، پرهیز از بدگویی از دیگران، زود باوری شایعات، پرهیز از آبروریزی مسلمانان، پرهیز از سخن باطل، دفع بلا با دعا کردن، خوش رفتاری با همسایگان، محبت ورزیدن و محبت دیدن، صلح ارحام، پرهیز از تکلف در زندگی، دوری از حرص و طمع، پرداخت حقوق فقرا از اموال توانگران، بازگرداندن بیت المال به صاحبان اصلی، مدد رساندن به نیازمندان، رفتار نیکوی زمامداران با مردم، نگهداری و حراست از مردم، بیعت قلبی مردم با حاکم، پرهیز از تهدید و تطمیع مردم و ثروت اندوزی و قدرت طلبی و خشونت و ایجاد رکود فکری و استبداد، آشکار کردن حق با برهان، حکم عادلانه دادن، پیشگیری از سرکشی ستمگر، استوار کردن معاملات، اعتماد به نیروهای مرزی، پاسداری از مرزهای حساس، ضرورت پاسداری کارگزاران از مرزها

ارزش های اساسی:

ایجاد اصلاح در جامعه، گشاده رویی با مردم، با مردم مهربان بودن، اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین، امر به معروف و نهی از منکر، استغفار کردن، آرامش در جستجوی حق، معنادار بودن زندگی، هدفدار بودن آفرینش انسان، داشتن هدف واقعی در زندگی، توبه و تائب کردن، مسیر هدایت الهی

ارزش های بنیادین:

اسلام آوردن، رضایت و خشنودی خدا، مناجات با خدا، توکل، یاد خدا، پناه بردن به خدا، ترس از خدا، امید به خدا، پیامبر و امام مایه امنیت جامعه، نداشتن دین یعنی نبود امنیت

نمودار 2- شبکه مقولات استخراج شده

ارزش های کارکردی ارزش های عملی ناشی از ارزش های اساسی هستند که می بایست هر فرد آن ها را در مقام اجرا، سرلوحه فعالیت خود قرار دهد. ارائه این ارزش های اساسی و کارکردی، در حقیقت منشور اخلاق حرفه ای را از منظر مقام معظم رهبری (زید عزه) تبیین خواهد نمود.

همانگونه که در جدول بالا دیده می شود؛ تعداد 10 ارزش بنیادین، تعداد 12 ارزش اساسی و 39 ارزش کارکردی از متن ارزشمند نهج البلاغه، به عنوان منشور برقراری امنیت، استخراج و تبیین شده است.

ارائه نظریه

نظریه پردازان داده بنیاد، نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می دهند: یک، الگوی کدگذاری بصری دو، مجموعه ای از قضایا (یا فرضیه ها) و سه، داستانی

که به شکل روایی نوشته می شود. (دانایی فرد و امامی، 1386: 89) لذا با توجه به گویایی و اختصار در این پژوهش از الگوی کدگذاری بصری استفاده شده است.



نمودار ۲- نظریه داده بنیاد الگوی کدگذاری بصری

بر اساس جمع بندی مقوله ها، مؤلفه ها و مفاهیم امنیت در نهج البلاغه و کلام امام علی(ع)، ایشان در تمام جنبه های امنیتی، سخن رانده و برای ایجاد هر کدام از آن امنیت ها، راهکارهایی به مناسبت های مختلف و در قالب های خطبه، نامه و سخنان کوتاه حکمت آموز، ارائه داده است. لذا این راهکارهای مهم، برای ایجاد جنبه های گوناگون امنیتی، می تواند برای همه آحاد جامعه و به ویژه مسئولین، کارگزاران، یک فصل الخطاب، محسوب شود.

نتیجه‌گیری

- ✓ نهج البلاغه جزء منابع غنی و مفید در زمینه مؤلفه‌های امنیتی است؛ اگر امنیت در هر جامعه‌ای کاهش یابد؛ تبعات و آسیب‌های گوناگون را به دنبال خواهد داشت.
- ✓ امام علی(ع) در تمام جنبه‌های امنیتی فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، روحی و روانی، اقتصادی، معنوی، سیاسی و قضایی، سخن رانده و برای ایجاد هر کدام از آن امنیت‌ها، راهکارهایی به مناسبت‌های مختلف و در قالب‌های خطبه، نامه و سخنان کوتاه حکمت آموز، ارائه داده است؛ گویی برای همین زمان کنونی،
- ✓ در جنبه‌های گوناگون امنیتی مطرح شده در سخنان امام علی(ع)، تعداد 10 ارزش بنیادین، تعداد 12 ارزش اساسی و 39 ارزش کارکردی، به عنوان منشور برقراری امنیت، وجود دارد.
- ✓ در سخنان امام علی(ع)، مجموعاً 10 مؤلفه و مقوله اصلی و تعداد 122 مفهوم و نشانه امنیتی، وجود دارد.
- ✓ مؤلفه‌های دهگانه امنیتی در نهج البلاغه و سخنان امام علی(ع) دارای ارزش‌های بنیادین: (اسلام آوردن، رضایت و خشنودی خدا، مناجات با خدا، توکل، یاد خدا، پناه بردن به خدا، ترس از خدا، امید به خدا، پیامبر و امام مایه امنیت جامعه، نداشتن دین یعنی نبود امنیت) ارزش‌های اساسی (ایجاد اصلاح در جامعه، گشاده رویی با مردم، با مردم مهربان بودن، اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین، امر به معروف و نهی از منکر، استغفار کردن، آرامش در جستجوی حق، معنادار بودن زندگی، هدفدار بودن آفرینش انسان، داشتن هدف واقعی در زندگی، توبه و انابه کردن، مسیر هدایت الهی) و ارزش‌کاربردی (سلام کردن، نیکی به دیگران، چشم پوشی از لغزش دیگران، آموزش رسوم زندگی، شوهرداری نیکو، تربیت نیکو، راهنمایی فرزندان، اطاعت از والدین، پرداخت حق مردم توسط نامداران، پرهیز از بدگویی از دیگران، زود باوری شایعات، پرهیز از آبروریزی مسلمانان، پرهیز از سخن باطل، دفع بلا با دعا کردن، خوش رفتاری

با همسایگان، محبت ورزیدن و محبت دیدن، صله ارحام، پرهیز از تکلف در زندگی، دوری از حرص و طمع، پرداخت حقوق فقرا از اموال توانگران، بازگرداندن بیت المال به صاحبان اصلی، مدد رساندن به نیازمندا، رفتار نیکوی زمامداران با مردم، نگرهبانی و حراست از مردم، بیعت قلبی مردم با حاکم، پرهیز از تهدید و تطمیع مردم و ثروت اندوزی و قدرت طلبی و خشونت و ایجاد رکود فکری و استبداد، آشکار کردن حق با برهان، حکم عادلانه دادن، پیشگیری از سرکشی ستمگر، استوار کردن معاملات، اعتماد به نیروهای مرزی، پاسداری از مرزهای حساس، ضرورت پاسداری کارگزاران از مرزها (جمع بندی، طبقه بندی و تبیین شد.

✓ این موارد بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب، در حقیقت ارزش هایی هستند که رعایت آن ها، موجب به وجود آمدن امنیت در جنبه های گوناگون در جامعه خواهد شد.

✓ نکته دیگری که قابل ذکر و یادآوری است؛ این که پژوهش حاضر در مقایسه با سایر مقالات پژوهشی، حاوی نکات متمایز کننده ای است که می توان به بررسی مؤلفه های امنیتی با رویکرد استراتژی نظریه داده بنیاد، اشاره کرد.

✓ امنیتی که امام علی علیه السلام به دنبال برقراری آن بود علاوه بر همه جانبه بودن، مقدمه برقراری عدالت و آزادی در جامعه است. البته عملکرد گروه های مخالف حضرت باعث شده که امنیت در حکومت امام علی علیه السلام در اولویت قرار گیرد.

✓ اثر امنیت فرهنگی در باقی ابعاد یعنی امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از منظر امام شیعیان تاثیرگذار می باشد؛ چرا که اگر امنیت سیاسی در وجدان عمومی جامعه مؤثر افتد و گستاخی و جسارت روحی مردم را در برخورد با هر آنچه که ظلم نام دارد، مضاعف سازد اما نتواند با امنیت فرهنگی گره بخورد که بستر پرورشی جامعه را برای تداوم امنیت سیاسی مهیا کرده و ابزار لازم را برای هدایت ایجاد کند.

- ✓ تقویت و فعال کردن دیپلماسی نظام اسلامی در عرصه های منطقه ای و بین المللی جهت حفظ منافع، مصالح و تقویت پیوندها با کشورهای قابل اعتماد و ایجاد قطبهای قدرتمند.
- ✓ شناخت دقیق و فراگیر دولت و ملت از دشمنان، رقیبان و تهدیدهای داخلی و خارجی و حرکت در مسیر توسعه انسانی، هماهنگ، هدفمند و پایدار با هدف پیشرفت کشور در عرصه های مختلف علمی، فنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و...

پیشنهادها

- ✓ پیشنهاد می‌شود؛ مؤلفه‌های امنیتی کتب دیگر دینی و مذهبی، مانند قرآن و صحیفه سجادیه، با رویکرد استراتژی نظریه داده بنیاد پژوهش، تحقیق و تدوین گردد.
- ✓ یکی از نکات مهم و ضروری پژوهشی، تحلیل مؤلف‌های امنیت در نهج البلاغه و کتب دیگر مذهبی و تبیین شیوه تعاملات و روابط تأثیر و تأثر با یکدیگر است، که نیازمند فعالیت جدید پژوهشی است.
- ✓ یکی دیگر از موضوعات پژوهشی در این زمینه، بررسی وضعیت سنجی امنیت کنونی جامعه، مبتنی بر ارزش‌های بنیادین، اساسی و کارکردی امنیتی در نهج البلاغه و سایر کتب دینی و مذهبی مرجع است.
- ✓ مقایسه یافته های تحقیق با ارزش های بنیادین، اساسی و کارکردی از منظر غربی نیز می تواند؛ پژوهش دیگری برای نشان دادن وجه تمایز و میزان افتراق و شباهت ها باشد.
- ✓ پیشنهاد می شود سازمان ها و دستگاه های امنیتی براساس مؤلفه های امنیتی در نهج البلاغه و سخنان امام(ع)، منشور امنیتی سازمان خود را موردبازنگری قرار دهند.
- ✓ پیشنهاد می گردد که دستگاه های امنیتی به منظور انطباق پذیری با اندیشه امام(ع)، مؤلفه های به دست آمده را به روش های گوناگون (بروشورها،

برگزاری کارگاه های آموزشی، هم اندیشی، کرسی های آزاد اندیشی و ...)
 ترویج نموده و نهادینه سازند.
 ✓ بررسی و نشان دادن ملموس تر هریک از ارزش های کارکردی در اقدامات و
 عملیات دستگاه های امنیتی بهتر می تواند در باورپذیر نمودن آن ها و شناسایی
 آسیب ها و معضلات امنیتی در سازمان ها کمک نماید.



منابع:

- قرآن کریم
- آشوری، داریوش (1389)، دانشنامه سیاسی، چاپ هیجدهم، چاپ مروارید، انتشارات تهران.
- آمدی التیمی، عبدالواحد، (1383)، غرر الحکم و درر الکلم علی بن ابیطالب (ع)، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- الوانی، سید مهدی؛ دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل، (1386)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
- ابن شعبه، حسن بن علی، (1382)، تحف العقول، مترجم: صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات: آل علی (علیه السلام).
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (1387)، اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انوری، حسن، (1389)، فرهنگ روز سخن، چاپ هفتم، انتشارات: سخن، تهران.
- جعفری، محمد تقی، (1379) ترجمه نهج البلاغه، جلد 5، تهران: نشر فرهنگ دانش.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، (1380)، دیوان حافظ شیرازی، با مقدمه احمد محمدی ملایری، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات زرین.
- خمینی، روح‌الله، (1378)، صحیفه نور، جلد 21، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی، (1386)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم – پاییز و زمستان 1386، ص 72.
- دشتی، محمد، (1397)، ترجمه نهج البلاغه حضرت علی ابن ابیطالب (ع)، اصفهان: نشر آثار فرهنگ برتر.

دهخدا، علی اکبر، (1377) لغت‌نامه، دوره کامل (16جلدی). نوبت چاپ: 1. ناشر: دانشگاه تهران.

رشاد، علی اکبر، (1382)، دانشنامه امام علی (ع). جلد 6. تهران: سازمان و انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رضی، سیدشریف، (1396)، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، چاپ دوم، قم: انتشارات محمد و آل محمد (ص).

فرهانیان، مونس، (1393) پایان نامه امنیّت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب، (1393)، اصول کافی، ج 1، باب مخصوص و جامع در فضیلت و صفات امام، تهران: انتشارات دارالتقلین.

محمد خوانساری، جمال الدین، (1387) شرح غرر الحکم و درر الکلم، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

معین، محمد، (1386) فرهنگ فارسی معین، ناشر: زرین. تهران.

مغفوری فرسنگی، بتول و محمدمهدی، احمدی سید (1393)؛ قضاوت در نهج البلاغه، فصلنامه تخصصی مطالعات فقهی و فلسفی، سال پنجم، شماره 3، قم.

مقاتلی، نعیم، (1391)، مقاتله مفاهیم و نظریه های امنیّت در نهج البلاغه، فصل نامه علمی و تخصصی دانش انتظامی بوشهر، سال سوم، شماره هشتم، 4.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی، (1374)، مثنوی معنوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نغمه.

<https://www.ilam.ac.ir/news/show/> 9 اسفند 1391

<https://www.entekhab.ir/fa/news/34581> 20/ مرداد 1390